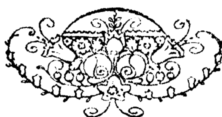
جلد اول



تطبیقات کریمی



(طبع اول)

فيها ما تشتهيه الانفس و تلذ الاعين

تطبيقات كريمى

لا رطب و لا يابس الا فى كتاب مبين

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمدلله الذى خلق الانسان وعلمه البيان والتبيان واوضح له الهدى والايمان و الصلوة على من خص بالقرآن والآثار المحمودة الحسان واله حجج الرحمن المطهرين عن الرجس بنص القرآن اما بعد فيقول الفقير الى رحمة ربه الحاج اسدالله العراقى الشهير بالكريمى ابن المنتقل الى رياض القدس الحاج غلامرضا عفى الله عن جرائمهما وحشرهما مع ائمتهما اعلموا يامعاشر الطالبين للحق واليقين المتمسكين بعروة اتباع اهل بيت سيدالمرسلين صلوةالله عليهم اجمعين انى كنت حريصاً على طلب العلوم بانواعها فتبصرت الى ثمرات تلك العلوم و غاياتها وتاملت فيما ينتفع منها فى المعاد وتبصرت فيما يوصل منها الى الرشاد فايقنت بفضله و الهامه تعالى ان العلم لا ينفع الا اذا اخذ من عين صافية نبعت عن ينابيع الوحى و الالهام و ان الحكمة لاتنجع اذا لم تؤخذ عن نواميس الدين و معاقل الانام فوجدت العلم كله فى كتاب الله العزيز الذى لاياتيه الباطل من بين يديه ولا من خلفه واخبار

اهل بيت الرسالة الذين جعلهم الله خزاناً لعلمه و تراجمة لوحيه فتركت ما ضعيت زماناً من عمرى فيه و اقبلت على ما علمت انه سينفعنى فى معادى فاخترت الفحص عن اخبار الائمة الابرار سلام‌الله عليهم اجمعين و اخذت فى البحث عنها و اعطيت النظر فيها و اوفيت التدرب فيها و لعمرى لقد وجدتها سفينة نجاة مشحونة بذخائر السعادات و الفيتها فلكاً مزيناً بالنيرات المنجية عن ظلم الجهالات و رايت سباها لائحة و طرقها واضحة و اعلام الهداية و الفلاح على مسالكها مرفوعة واصوات الداعين الى الفوزوالنجاح فى مناهجها مسموعة و وصلت فى سلوك شوارعها الى رياض نضرة وحدائق خضرة مزينة بازهار كل علم وثمار كل حكمة و ابصرت فى طى منازلها طرقاً مسلوكة معمورة موصلة الى كل شرف ومنزلة فلم اعثر على حكمة الا وفيها صفوها ولم اظفر بحقيقة الا وفيها اصلها فبذلت غاية جهدى فى ترويجها وعزمت بعدالاستعانة من ربى بحوله وقوته والاستمداد من تاييده و رحمته على تاليفها و تنظيمها على نظام غريب و تاليف عجيب

مقصود از تاليف اين اوراق درتحت چند ماده توضيح داده ميشود ١ ـ تبليغ قوانين اسلاميه از عبادات ـ احكام ـ اخلاق ـ آداب ـ حفظ‌الصحه ـ علم فيزيك ـ شيمى ـ سماوے ـ ارضى ـ وغير ذلك بذكر نمودن اخبار راعيناً ٢ ـ ترجمه آنها براے عام بودن انتفاع ٣ ـ اطلاع به تحقيقات ونكات قوانين‌اسلاميه است كه بچه اسلوب تحقيق وبيان شده و مسبوق شدن باهميت بعضى ازقوانين وسنن ٤ ـ بيان بعضى ازحكم و مصالح آنها و تطبيق نمودن كشفيات امروزه را با آنها بقدر ميسور بامراعات اختصار

تبصره ١ ـ چون در اين تاليف بنا بر اختصار است لهذا در نقل اخبار اسقاط روات شد

٢ ـ در تعيين مدرك اقتصار شد به يكى از كتب معتبره

عالمرا صانعی است

فی البحار من کلام الصادق ع — فکر یا مفضل فی اعضاء البدن اجمع وتدبیر کل منها للارب فالیدان للعلاج و الرجلان للسعی والعنیان للاهتداء والفم للاغتذاء والمعدة للهضم و الکبد للتخلیص والمنافذ لتنفیذ الفضول و الاوعیة لحملها والفرج لاقامة النسل وکذلك جمیع الاعضاء اذا تاملتها و اعملت فکرك فیها و نظرت وجدت کل شئی منها قد قدر لشئی علی صواب وحکمة قال المفضل ره فقلت یا مولای ان قوماً یزعمون ان هذا من فعل الطبیعة فقال علیه السلام سلهم عن هذه الطبیعة اهی شئی له علم وقدرة علی مثل هذه الافعال ام لیست کذلك فان اوجبوا له العلم و القدرة فما یمنعهم من اثبات الخالق فان هذه صنعته وان زعموا انها تفعل هذه الافعال بغیر علم ولاعمد وکان فی افعالها ما قد تراه من الصواب والحکمة علم ان هذا الفعل للخالق الحکیم و ان الذی سموه طبیعة هو سنة فی خلقه الجاریة علی ما اجراها علیه ترجمه جعفر ابن محمد الصادق ع میفرماید فکر کن ای مفضل در اعضاء بدن وتدبیر کلیهٔ آن اعضاء را برای حاجت پس دو دست برای علاج . پاها برای سعی . دو چشم برای دیدن . دهن برای غذاء . معده برای هضم . جگر برای تصفیه وخلاصه نمودن . منافذ برای دفع فضولات بدن . اوعیه برای حمل آن فضولات ومنتشر نشدن در بدن . فرج برای باداشتن نسل . وهکذا جمیع اعضاء بدن اگر تامل و نظر کردی در آنها می یابی هر چیزی از آنها را تقدیر کرده شده از روی صواب وحکمت مفضل ره می گوید عرض کردم ای آقای من قومی گمان دارند که این حرکات وافعال از فعل طبیعة است فرمود سؤال کن آنها را از این طبیعة آیا وجودی است که از برای اوست علم و قدرت مثل این افعال یا نیست همچنین پس اگر جواب دادند که از برای طبیعة است علم وقدرت پس چه مانعی است آنها را از اثبات خالق و این افعالهم صنعة اوست

و اگر گمان دارند که طبیعة فاعل است درحالتیکه نبست از برای اوعلم وقدرت درصورتیکه تمام افعال اوست از روی حکمت وصواب معلوم میشود این فعل که در او است علم وقدرت از خالقی است حکیم سوای آن طبیعة وآن شئی را که نام گذاشته اند طبیعة اوست سنة وعادت الهی در خلقت که بجریان انداخته است خداوند متعال آن طبیعة رادرعالم

اسلام اطاعت ودعا کردن سلطان وقت را اهمیت داده

فی البحار — قال رسول الله ص طاعة السلطان واجبة و من ترك طاعة السلطان فقد ترك طاعة الله عزوجل ودخل فی نهیه ان الله عزوجل یقول ولاتلقوا بایدیکم الی التهلکة ترجمه رسول اکرم ص فرمود اطاعت سلطان واجب است کسیکه اطاعت نکند سلطان را اطاعت نکرده است خدای عزوجل را وشامل است اورا نهی الهی خداوند عزوجل میفرماید نیاندازید خودتانرا بهلاکت

فی البحار — عن موسی ابن جعفر علیه السلام قال لشیعته یا معشر الشیعة لا تذلوا رقابکم بترك طاعة سلطانکم فان کان عادلا فاسئلوا الله ابقائه و ان کان جابراً فاسئلوا الله اصلاحه فان صلاحکم فی صلاح سلطانکم وان السلطان العادل بمنزلة الوالد الرحیم فاحبوا له ما تحبون لانفسکم و اکرهوا له ماتکرهون لانفسکم ترجمه موسی ابن جعفر ع میفرماید ای گروه شیعه ذلیل نکنید خودتانرا به ترك اطاعت سلطان پس اگر عادل است سئوال کنید از خدا ابقاء او را واگر جابر است سئوال کنید ازخدا اصلاح اورا چون صلاح شما در صلاح سلطان است سلطان عادل بمنزلهٔ پدری است مهربان پس دوست داشته باشید برای او آنچه را دوست دارید برای خودتان بد بدانید برای او آنچه را بد میدانید برای خودتان

اهمیت عطر

فی الوسائل - قال رسول الله صلی لله علیه وآله الریح الطیبة تشد القلب و تزید فی الجماع ترجمه رسول اکرم ص میفرماید بوی خوش محکم میکند قلب را و زیاد میکند جماعرا **فی الوسائل - قال امیر المومنین علیه السلام الطیب فی الشارب من اخلاق النبیین و کرامة للکاتبین** ترجمه علی ع میفرماید شارب معطر نمودن از اخلاق پیغمبران است و تکریم است برای ملك های نویسنده **فی الوسائل عن ابیعبدالله علیه السلام قال کان رسول الله ص ینفق فی الطیب اکثر مما ینفق فی الطعام** ترجمهٔ جعفر ابن محمد الصادق ع میفرماید رسول اکرم ص انفاق میکرد درعطر بیش از آنچه انفاق میکرد درطعام **فی الوسائل قال ع ما انفقت فی الطیب فلیس بسرف** ترجمهٔ معصوم ع میفرماید هرچه انفاق بشوددر عطر اسراف نیست **فی الوسائل - عن ابی الحسن ع قال لاینبغی للرجل ان یدع الطیب فی کل یوم** ترجمه معصوم ع میفرماید سزاوار است برای مردایکه خوش بو کند خودرا همه روز **فی الوسائل عن ابی الحسن الرضا قال الطیب من اخلاق الانبیاء** ترجمه علی بن موسی ع میفرماید بوی خوش از اخلاق پیغمبرانست **فی الوسائل قال الراوی سالته عن الرجل یرد الطیب قال ع لاینبغی له ان یردالکرامة** ترجمه راوی میگوید سؤال کردم معصوم علیه السلام را از مردیکه رد میکند بوی خوشرا فرمود سزاوار نیست از برای او اینکه رد کند تکریم و احترامات را **فی الوسائل عن ابی عبدالله علیه السلام قال ان رسول الله ص کان یتطیب بالمسك حتی یری وبیصه فی مفارقه** ترجمه جعفر بن محمد الصادق ع میفرماید رسول خدا ص خوش بو مینمود خود را بمشك تا دیده میشد برقهای مشك درفرق سرش - ضعف خون قلب را ضعیف نموده رنك پریده میشود اختلال در دماغ و در اعمال هاضمه ایجاد شده عمل تنفس ضعیف حرکات قلب کم میشود بدن انسان

مقاومت خود راازدست داده مغلوب محیط خارجی میشود بالنتیجه بی‌میلی بغذا و بجماع دست میدهد مکروبهای موذیه که همیشه حمله‌ور باعضاء ضعیفه واشخاص بی بنیه میباشند کاملا در بدن انسان رشد مینماید بعلاوه قدرة ادویه طبی در بدن فاسد وبلا اثر میماند پس قسمت مهم سلامت انسان به تصفیهٔ خون وبتقویت قلب منوط ومربوط است استعمال عطریات و استشمام بوی خوش خون راقوی وقلبرا تقویت میکند وقوهٔ اعمال کلیه اعضاء بدن را کاملا ایجاد نموده ازاین جهت است که فرمود بوی خوش محکم میکند قلب را و زیاد میکند جماعرا بعلاوه استعمال بوش‌خوش عقل را تقویت فکررا زیاد دلرامسرورمیسازد هوا رامعطر وبوهاے بد را برطرف میکند

اسلام به شانه وتنظیف مواهمت داده

فی‌الوسائل - قال رسول‌الله ص من‌اتخذ شعراً فلیحسن و لایته او لیجزه ترجمه‌رسول‌اکرم‌ص میفرماید کسیکه مو گذاشت نیکو نگهدارے کنداز‌او یااینکه قطع کند اورا **فی‌الوسائل - قال النبی‌ص کثرة تسریح‌الرأس یذهب بالوباء ویجلب الرزق ویزید فی‌الجماع** ترجمه نبی‌اکرم‌ص فرمود سر را بسیار شانه نمودن میبرد وبارا وجلب میکند رزقرا و زیاد میکند جماعرا **فی‌الوسائل‌قال رسول‌الله‌ص الشعر الحسن من کسوةالله‌فاکرموه** ترجمه رسول‌اکرم‌ص‌میفرماید موی‌خوب‌از‌پوشش‌های‌خداست پس‌اکرام کنیداورا **فی‌الوسائل قال ع کثرةالمشط یقلل البلغم** ترجمه معصوم‌ع‌میفرمایدزیادشانه نمودن کم میکند بلغمرا **فی‌الوسائل قال الصادق‌ع‌مشط الراس یذهب باالوباء ومشط اللحیه یشد الاضراس** ترجمه حضرت صادق‌ع میفرماید شانه نمودن سر میبرد و با را شانه نمودن ریش‌محکم میکند دندانها را **فی‌الوسائل — قال‌الصادق‌ع‌المشط‌یذهب‌بالوباء وهی‌الحمی** ترجمه صادق آل محمد ع میفرماید شانه کردن میبرد وبا را و اوست تب **فی‌الوسائل قال موسی بن جعفر ع تمشطوا بالعاج فانهٔ یذهب بالوباء** ـ ترجمه

موسی ابن جعفر ؏ میفرماید شانه کنید باستخوان فیل میبرد وبا را **فی الوسائل قال ابوعبدالله ؏ تسریح العارضین یشدالاضراس و تسریح اللحیة یذهب بالوباء وتسریح الذوابتین یذهب ببلابل الصدر وتسریح الحاجبین امان من الجذام وتسریح الراس یقطع البلغم** ترجمه حضرت صادق ؏ میفرماید شانه کردن عارض محکم میکند دندانرا شانه کردن ریش میبرد وبا را شانه کردن شقه موی جلوی سر میبرد حزنهای سینه را شانه کردن ابرو امان است ازجذام شانه کردن سر قطع میکند بلغمرا - موغ لب سطح بدنرا احاطه نموده دربعضی نقاط غیرمرئی و دراغلب مرئی میباشد تمام آنها مجوف کمك به تنفس مینماید بواسطه خالل و فرج آنها مقداری از بخارات سمیه ومواد مضره را ازبدن دفع نموده باعث تصفیهٔ خون میگردد نتیجهٔ آن جماعرا زیاد وبلغمرا کم میکند مشروط باینکه موها نظیف وپاکیزه بوده کثافت نوك آنها را مسدودنکرده باشد مخصوصاً محاسن وموی سر بملاحظهٔ مجاورت بهوا زودتر کثیف و بیشتر موردحملات مواد کثیفهٔ هوا میشود لذا شانه و شست و شو کردن آنها لازم و قسمت مهمی از امراض جلدی مثل کچلی که در سر اطفال تولید میشود راجع به مواد کثیفه ایست که در سطح بشره مجتمع و واسطهٔ شانه و شست وشو نکردن نتیجهٔ کچلی را میدهد ومقصود از نیکی دراین تولیت واکرام مو که درخبر فرمود شانه وشست وشو نمودن موها است و جلوگیری است از کثافات وامروز هم قسمت مهمی از حفظ الصحه را به تنظیف مو میدانند

نتیجه تشکر و کفران

فی البحار — من کلام الصادق ؏ اشکرمن انعم علیك وانعم علی من شکرك فانه لاازالة للنعم اذا شکرت ولا اقامة لها اذاکفرت والشکر زیادة فی النعم وامان من الفقر ترجمه صادق آل محمد ؏ میفرماید تشکر کن کسیرا که انعام

میکند تورا وانعام کن کسی را که تشکر میکند تورا نیست زوال نعمت اگر تشکر کردي نیست بقائي براے نعمت اگر کفران کردی تشکر زیاد میکند نعمت را و ایمنی است از فقر

علامت منافق وامين

فی البحار – من کلام الصادق ع ثلث من کن فیه فهو منافق و ان صام وصلی من اذا حدث کذب و اذا وعد اخلف واذا ائتمن خان احذر من الناس ثلثة الخائن و الظلوم و النمام لانه من خان لك خانك و من ظلم لك سیظلمك ومن نم الیك سینم علیك لایکون الامین امیناً حتی یؤتمن علی ثلثة فیؤدیها علی الاموال والاولاد و الفروج و ان حفظ اثنتین وضیع واحدة فلیس بامین ترجمه صادق آل محمد ع میفرماید سه صفت در هر کس باشد منافق است او اگر چه روزه بگیرد و نماز بخواند آدم دروغگو مخالفت کننده بوعده خیانت کار در امانت دورے کن از سه طایفه خائن و ظلوم و نمام بعلت اینکه کسیکه خیانت میکند براے نفع تو خیانت میکند تورا کسی که ظلم میکند به نفع تو ظلم خواهد کرد تو را کسیکه نمامی کند برای تو نمامی خواهد کرد از تو نمیباشد انسان امین تاامانت گذاشتهشود نزداوبسه چیز ورد کند آنهارا برمال واولاد وفروج و اگرمحافظت کرد دوتای آنهارا وخیانت کرد بهیکی پس نیست اوامین

اخبار از ترکیب هوا و اسیدکربونیك

فی الوسائل – عن علی ع قال لایتفل المؤمن فی القبلة فان فعل ناسیاً یستغفر الله لا ینفخ الرجل فی موضوع سجوده ولاینفخ فی طعامه ولافی شرابه ولا فی تعویذه ترجمه علی علیه السلام میفرماید آدم با ایمان نیندازد آب دهن را بسمت قبله پس اگر کرد اینکار را نسیاناً استغفار کند

خدا را ندمد کسی در مکانی که سجده میکند ندمد در چیزهای خوراکی و آشامیدنی و نه درتعویذش **فی الوسائل - عن الصادق ع، عن ابائه عن النبی ص فی حدیث المناهی قال ونهی ان ینفخ فی طعام اوشراب و ان ینفخ فی موضع السجود** - ترجمه حضرت صادق ع روایت میکند ازپدرانش که پیغمبر ص نهی فرمود از اینکه دمیده شود به ماکولات و مشروبات و نهی فرمود از دمیدن در موضع سجده **فی الوسائل - قال ابوعبدالله ع یکره النفخ فی الرقی و الطعام وموضع السجود** - ترجمه صادق آل محمد ع میفرماید مذموم است دمیدن در رقیه ها و طعام و موضع سجده - کشفیات امروزه مرکب بودن هوائی را که انسان تنفس میکند بما ثابت نموده کیفیت دخول وخروج هوا و احتراق آن در باطن انسان و خروج بخار و گاز سمی در حال زفیر همه مفصلا مشروح است بنحو اجمال انسان در حال تنفس دارای شهیق و زفیری است که هوا را داخل و خارج میکند در حال شهیق که هوا داخل در جوف و ریه شد ازتمام معبر های خود سیر نموده هوای مرکب از اکسیژن و ازت محترق و از او بخار و گاز سمی که موسوم است باسیدکربونیك تولید شده که در حال زفیر اورا خارج مینماید بعبارة اخری تنفس عبارتست از اخذ اکسیژن هوا و دفع اسید کربونیك بنا بر این قاعده نفخه و نفس آدمی بملاحظه سمیتی که در او است مصادف با بعضی چیزها که بشود اورا مسموم نموده و از طبیعت اولیه اش خارج مینماید این استکه شارع مقدس نفخه بطعام و شراب را جداً منع فرموده در این صورت دمیدن بآب و طعام و قند و نبات خارج است از حفظ الصحه و خوردن آنها باعث مسموم شدن خون و تولید امراض معدهٔ و جوفی میشود این بیان بانبودن الات علمی و صنعتی در آن زمان حکمت و نبوت آن وجود محترم را نمایش می دهد فضائل و مقامات ائمه معصومین را ثابت مینماید و از علماء اهل صنعت و

کاشفین حقائق تشکر مینمائیم اما مسئله نهی از نفخه در موضع سجود آنچه بنظر میرسد نظریات شارع مقدس از چند لحاظ بوده یکی بملاحظه عدم صعود غبار زمین که تنفس همچه هوائی را برای بشر مضر میدانسته انشاءالله در باب خودش بیان خواهیم نمود که بشر را چقدر به تنفس هوای صاف و خالی از کثافت امر فرموده چون در زمان شارع مقدس و هکذا زمان ائمه اطهار مهر نماز معمول نبوده زمین را سجده گاه خود قرار میدادند یا مقداری ریگهای ریز در سجاده میگذاشتند و نماز میخواندند اینست که نفخه در موضع سجده را جداً نهی فرمود مخصوصاً در مجامع عمومی این عمل هوا را کثیف نموده تنفس او مضر بجامعه خواهد بود دیگر آنکه این بخار و گاز سمی که موسوم است باسید کربونیک بملاحظه نفخه در هر موضعی بفوریت تولید موادی میکند که همه کس دیده و میداند مثل رطوبت وعرق دور نیست این مواد سمی که در موضع سجده تولید میشود بملاحظه خلل و فرج موها و اتصال پیشانی بآن موضع نفوذ در پیشانی نموده ایجاد بعضی ضرر ها در دماغ و سر بنماید مسئله نهی ازنفخه در رقی و تعویذ مراد از ایندو کلمه ورقه ایست از دعا که بمریض ومجنون می بندند جهة حفظ و حراست و شفاء آنها که آنورقه دعا را تعویذیاعوذه یا رقیه مینامند و بواسطه نفخه بآنها ممکن است بخار سمی که درجوف مجتمع و حبس میشود تکوین میکروبهائی نموده که جهت مجنون و مریض مضر و منشاء بعضی مرضها بشود لهذا دمیدن بآن ورقه را نهی فرمودند و چون در لغت برای تعویذ معنی دیگری هم ضبط نمودند که آن پناه دادن کسی است دیگریرا بخدا به سبب ورد یا دعا مثلا اگر بگوئی عوذ زید عمرواً یعنی زید برای حفظ عمرو ورد یا دعائی خواند و از خدا طلب حفظ او نمود لهذا محتمل است مراد از خبر اخیر نهی ازدمیدن درحال ورد یا دعا بوده چون

موقع ورد و خواندن دعا برای مریض و مجنون و دمیدن بآنها باعث ایصال بخار و گاز سمي شده و اسباب بطؤ مرض و مزید علت خواهد گردید لهذا نفخه را در این موقع نهی فرموده اند پس در استشفاء بسوره مبارکهٔ حمد جهت مرضي در صورت بودن همچه خبری فقط قرائت حمد است و بس از این خبر مهم بودن تنفس هوای صاف و خالي از کثافت برای مریض استفاده میشود

ورزش ریه وجریان دم

فی الوسائل – قال ابو جعفر ؏ اذا اذنت فافصح بالالف و الهاء
ترجمه محمدبن علی الباقر؏ میفرماید هروقت اذان میگوئی بافصاحت بگو الف و هاء در اذان را **فی الوسائل – عن ابی جعفر؏ قال لایجزئك من الاذان الا ما اسمعت نفسك اوفهمته وکلما اشتد صوتك من غیران تجهد نفسك كان من یسمع اكثر وكان اجرك فی ذلك اعظم** ترجمه محمدبن علی الباقر؏ میفرماید کمترین مرتبهٔ از اذان که کفایت کند ترا این است که خودت بشنوی و بفهمی او را لیکن هرچه بلند وشدید بشود صوتت که صدمه وزحمت بتووارد نکند بیشترمیشوند شنوندکان و عظیم تر میشود اجرت **فی الوسائل – عن ابی عبدالله؏ قال اذااذنت فلاتخفین صوتك فان الله یاجرك مدصوتك فیه** ترجمه جعفربن محمدالصادق ؏ میفرماید هروقت اذان میگوئی مخفی و آهسته مکن صوتت را خداوند مزد میدهد بتو باندازه کشش آوازت **فی الوسائل – شكا رجل الی ابی الحسن الرضا؏ سقمه وانه لایولدله ولد فامره ان یرفع صوته بالاذان فی منزله قال فعلت فاذهب الله عنی سقمی وكثر ولدی** ترجمه عرض کرد شخصی خدمت حضرت رضا؏ ازمرض وازنشدن اولاد پس فرمود در منزلت اذان بگو بآواز بلند میگوید کردم این کار را برد خدا مرضم را و

بسیار عدد اولادم - یکی از اصول مهمه زندگانی بشر که امروزه در دنیا معمول و اورا اساس صحت وسلامت میدانند ورزش و دوران دادن دم است در بدن مخصوصاً علماء حفظ‌الصحه در این خصوص ترغیباً کتب بسیار تألیف فرموده‌اند در کلیه قوانین اسلامیه هم علاوه براینکه مقصود تکمیل عقل ورسانیدن بشر است بسعادت ابدیه میتوان گفت یکی از مقاصد مهمه نیز امر طبیعی و مادی بوده حفظ وسلامت بشر را منظورداشته بهیچ نحومخالف با حفظ الصحه قانونی وضع نشده این است که عمل بآن قوانین آورنده صحت وتربیت کننده مزاج خواهد بود در خبر شریف که دستور میدهد به شخص مریض بلند گفتن اذان آنچه را که بنظر میرسد علاوه بر عنوان عبودیت ورزش ریه و جریان دادن دم است در کارخانه بدن که اورا باین قانون و حفظ الصحه دعوت فرموده نه همان تنها تحریك بدن و عضلات مربی بدن است ورزش جریان دهنده خون است بلکه نطق وآواز قوه و فشارے است در بدن خونی را که شراشر جسد را پر کرده و در مجری و معبر خود در گردش است به نحو طبیعت و مناسب حال هر عضوی به جریان می آورد نطق است که غذا را بهاضمه و اشتها را زیاد میکند دل درد سوء هاضمه ومرضهاے مهمه را بر طرف میکند سینه را اصلاح و بدنرا گرم میکند این است که از بدن در حال نطق عرق خارج میشود نطق است که مملکت بدنرا تعدیل وتنظیم میدهد لولا نطق اعتدال مزاج رو به اختلال و این کارخانه فاسد و از بین خواهد رفت و گلبولهائیرا که خداوند متعال درجزئی از خون خلق فرموده که کار او محاربه و کشتن مکروبهاے واردهٔ در خون است ضعیف وبالاخره معدوم شده این است که انسان تلف خواهد شد پس اساس زندگانی بشر به نطق است مخصوصاً ریتین را دوحالت است حالت انقباض و حالت انبساط حالت انبساط آدمرا سالم میدارد ضیق نفس را میبرد حالت انبساط است که انسان

سه ساعت تکلم میکند بهترین وسیله برای ازدیاد انبساط و ورزش ریه و تکلم است پس اذان بلند مطابق است با حفظ الصحه دفع مرض میکند کارخانه بدن را به نظام طبیعی بیرون می آورد عضو از کار افتاده را که مربوط است به تکوین ولد اصلاح و به طبیعت اولیه اش عودت میدهد و دستور در خبر به فصیح گفتن الف و هاء نیز مطابق است با حفظ الصحه چون فصاحت آندو حرف سبب حرکت ناف و شکم است که مخرج است برای آن دو حرف باعث سرعت هضم و وارد ساختن غذا است در معده پس بنحو کلی اذان علاوه برشعائر اسلام و اعلان حضور درمساجد و مجامع عمومی جریان دهنده خون و سالم کنندهٔ بدن و مطابق است با حفظ الصحه

علت کراهة اکل کلیتین

فی الوسائل - عن موسی ابن جعفر ع عن ابائه ع قال کان رسول الله ص لا یاکل الکلیتین من غیر ان یحرمهما لقربهما من البول ترجمه موسی بن جعفر ع از پدرانش همچه روایت میکند که رسول خدا ص میل نمی فرمود کلیه را بواسطه قرب آنها ببول لکن حرام نکرد آنها را - علمائیکه اطلاع کامل ازتشریح جسد انسان دارند بخوبی درك این نکته را خواهند نمود و اگر مطلع بتاریخ این نطق بشوند که در چه زمانی تحقیق شده که ابداً قواعد تشریحی در بین نبوده محققاً موجب حیرت و عجب آنها خواهد شد آنچه که محقق شده در خلقت انسان و حیوان دو کلیة یکی بطرف راست دیگری بطرف چپ خداوند متعال خلق فرموده درزیر آن کیسهٔ که او را مثانه گویند قرار داده و دو رودهٔ مجوف از جوف کلیه چه از راست و چه از چپ بسمت مثانه کشیده شده مثل دوظرفیکه دولوله مجوف بآن متصل و منتهی شود بطرف دیگری که جهة عرق گیری مایعات اختراع

شده عمل کـلیتین بعینه همین‌عمل‌است تجزیه نمودن بعضی‌ازمواد کـثیفهٔ واردهٔ
در معده است کـه بتوسط آن لوله ها تحویل مثانه میدهد و بول خالص را
در او مجتمع مینماید بعبارة اخـرے خداوند متعال دو کـلیتین را کارخانه
بول سازی قرار داده همیشه این کارخانه در گـردش و بول را درمثانه وارد
می نماید پس اجتنـاب رسـول اکـرم ص از کـلیتین کـه در ذیـل خبر
علت آن باین صورت بیان شده لقـر بهما مـن البول نظر بهمین قـواعـد
تشریحی است

اخبار ازاسید کربونیك ومکروب

فی الوسائل قال رسول الله ص لایطولن احدکم شاربه فان الشیطان یتخذه مخبئا یستترفیه ترجمه رسول اکـرم ص میفرماید طولانـی نشود البتـه
شاربهاے شما شیطان اتخاذ میـکند او را مسـکن و مخفی می شود در او
فی‌الوسائل – قال الراوی سئلت اباالحسن ع عن قص الشارب امن السنة قال نعم
ترجمه راوی میگوید سؤوال کردم ازمعصوم ع ایازدن شارب‌قانون‌است فرمود بله
فی الوسائل – انه رأی ابا عبد الله ع احفی شاربه حتی الصقه بالعسیب
ترجمه جعفر ابن محمد الصادق ع شارب را باندازهٔ زده بودکـه رسانیده بود
او را بریشه و محل روئیدن مو **فی البحار – قال الصادق ع اخذ الشارب من الجمعة الی الجمعة امان من الجذام** ترجمه حضرت‌صادق ع میفرماید گرفتن
شارب در هر جمعهٔ امان است از جذام **فی البحار – قال الصادق ع من لم یؤخذ شاربه فلیس منا** ترجمه حضرت صادق ع میفرماید کـسی که نگیرد
شاربرا نیست ازما **فی‌البحار - انه‌رأی‌اباعبدالله ع احفی‌شاربه حتی‌التزمه‌العیب**
ترجمه شخصی‌دید حضرت صادق ع راکه بانتها رسانیده بود شاربراکـه لازمهٔ‌او بود
عیب گوئی‌مردم ـ انسان‌همانطوریکه‌ازدهن تنفس میکند وهوارا‌داخل وخارج میکند
همین طور ازمنخرین این عمل‌جارے هوا را داخل وخارج می‌نماید درحال

خروج اسید کربونیك که گازے است سمی از منخرین بیرون آمده وبه لب بالا که مقابل او است رسیده بملاحظه بلندے مو و شارب بخارات سمیه حال تنفس بانضمام ذرات و کثافات هوا درخلال موها مجتمع شده تولید مکربهائی می نماید قوه جذابه حال شهیق آنها را بجوف رسانیده پس از تمرکز ممکن است تولید مرض و حمق و جنون بنماید علاوه بر این طول شارب اگر بحدی برسد که در دهن داخل شود البته موقع خوردن غذا و آشامیدن آب آن مواد کثیفه مخلوط با آنها شده وارد معده میشوند معلوم است همچه غذائی مضر مسموم کننده خون و صدمه زننده انسان‌است پس بنا بر این تخفیف شارب و ازاله آن قانونی است راجح و مطابق است با حفظ الصحه و بلندی آن مذموم و مخالف است با حفظ الصحه **فی الوسائل — قال الراوی ذکرنا الاخذ من الشارب فقال نشرة وهو من السنة** ترجمه راوی میگوید خدمت حضرت ع مذاکره گرفتن شارب شد فرمود گرفتن شارب نشرة‌است واواست‌از قانون ـ معنائیکه درلغت برای نشرة ضبط نموده اند که مناسبت دارد با این موضوع یکی نشرة بفتح که نسیمی است خوش و پاکیزه دیگرے نشرة بضم که رقیه ایست که توسط آن علاج مجنون و مریض میکنند علی ای حال هر کدام باشد قابل توجه و مطابق است با حفظ الصحه بنا بر معنی اول هم چه معلوم میشود که بخارات خارجه از منخرین علاوه بر تکوین موادمکروبی تولید عفونت ورائحه کریهٔ درموها خواهد نمود ودر ازاله مودفع آن عفونت و انسان تنفس نسیم خوش خواهد کرد این است که باین عبارت تعبیر و فرمود زدن شارب نشرة است بنا بر معنی دوم همچه معلوم میشود کما اینکه توسط رقیة و نشرة علاج مجنون و مریض میکنند همین طور ازاله موے شارب دفع جنون و مرض خواهد کرد و نتیجه او را خواهد داد این است که فرمود زدن شارب نشرة است اشاره ایست ملیح و نکته ایست مهم

تبصرة بطور کلی چون کثافت و مواد مکروبی در هر کجا که تولید و تکوین گردید بحسب سنخیت منشاء غلبه شیطان و احاطه او میگردد لهذا در این رقم اخبار که در موارد کثیفه ذکر شیطان شده فرقی نیست بین این که گفته شود لفظ شیطان مشعر است بمواد مکروبی یا اینکه گفته شودمراد شیطانی است مغوے

اسلام ضد است با تنبلی - ترغیب در تجارت وزراعت

فی الوسائل — قال رسول الله ؐ ملعون من القی کله علی الناس ترجمه رسول اکرم ص میفرماید ملعون است کسیکه کل بشود بر غیر واز قبل او روزی خورد **فی الوسائل — قال امیر المومنین ؑ ان الاشیأ اما ازدوجت ازدوج الکسل و العجز فنتجا بینهما الفقر** ترجمه علی علیه السلام میفرماید چون تمام اشیاء جفت گیرے شدند جفت گیری شدند کسالت وعجز زائیده شداز آنها فقر **فی الوسائل — عن ابی جعفر ؑ قال انی لابغض الرجل ان یکون کسلاناً عن امر دنیاه و من کسل عن امر دنیاه فهو عن امر آخرته اکسل** ترجمه محمد بن علی الباقر ؑ میفرماید دشمن دارم کسی را که کسل باشد در امر دنیوے کسیکه کسل است درامر دنیوی پس او کسل ترست در امر آخرتش **فی الوسائل - عن ابی عبدالله ؑ قال عدو العمل الکسل** ترجمه حضرت صادق ؑ میفرماید کسالت دشمن عمل است **فی الوسائل عن ابی الحسن موسی ؑ قال قال ابی لبعض ولده ایاك والکسل والضجر فانهما یمنعانك من حظك من الدنیا والاخرة** ترجمه موسی بن جعفر ؑ میفرماید پدرم فرمود به بعض فرزندانش دور کن ازخودت کسالت وتنبلی را چون مانعند تورا از رسیدن به حظهاے دنیوے و اخروی **فی الوسائل — عن ابی عبدالله ؑ قال لاتکسلوا فی طلب معایشکم فان ابائنا کانوا یرکضون فیها ویطلبونها** ترجمه صادق آل محمد ؑ میفرماید کسل نباشید درطلب معاش پدران ماحرکت میکردند با سرعت درتحصیل معاش و طلب میکردند او را **فی الوسائل - قال**

رجل رآنی ابوعبدالله و قد تاخرت عن السوق فقال اغدالی غرك ترجمه راوی میگوید ملاقات کرد مرا جعفر بن محمد الصادق ع درحالیکه دیر شده بود بازارم فرمود صبح زود قرار بده رفتن بازار را **فی الوسائل - قال ابوعبدالله ع لمولی له یا عبدالله احفظ غرك قال وما غری جعلت فداك قال غدوك الی سوقك و اکرامك نفسك وقال لاخر مولی له مالی اراك ترکت غدوك الی غرك قال جنازة اردت ان احضرها قال ع فلاتدع الرواح الی غرك** ترجمه جعفر بن محمد الصادق ع فرمود به یکی ازشرکاء خود ای بنده خدا مواظب باش برغرت عرض میکند چه چیز است غرمن فدای نوشوم فرمود صبح زود رفتن بازار واکرام نمودن نفس باز فرمود به یکنفر دیگرازشرکاء چه چیز است که ترك کردی امروز رفتن بازار را در صبح عرض کرد حاضر شدم جنازهٔ را فرمود پس حاضر شو بازار را از ظهر **-فی الوسائل - قال امیرالمؤمنین ع للموالی اتجروا بارك الله لکم فانی سمعت رسول الله ص یقول الرزق عشرة اجزاء تسعة اجزاء فی التجارة و واحد فی غیرها** ترجمه علی علیه السلام میفرماید تجارت بکنید خدابرکت بدهد بشما شنیدم رسول خدا ص فرمود روزی ده جزء است نه جزء آن درتجارت است یك جزء آن درغیر تجارت **فی الوسائل - عن ابی عبدالله ع قال التجارة تزید فی العقل** ترجمه صادق آل محمد ع میفرماید تجارت زیاد می کند عقل را **فی الوسائل قال الراوی سمعت اباعبدالله ع یقول ایعجز احدکم ان یکون مثل النملة فان النملة تجرالی جحرها** ترجمه راوی میگوید شنیدم معصوم علیه السلام فرمود آیا عاجز هستید اینکه باشید مثل مور میکشاند موردانه را بسمت سوراخش **فی الوسائل قال ابوعبدالله علیه السلام ارأیت لوان رجلادخل بیته واغلق بابه اکان یسقط علیه شئی من السماء** ترجمه صادق آل محمد ص میفرماید آیا دیدهٔ اگر کسی بماند در منزل و به بندد در برا برسد رزق او ازآسمان **فی الوسائل**

عن ابیعبدالله ؑ قال نعم العون الدنیا علی الاخرة ترجمه معصوم ؑ میفرماید دنیا خوب معاونی است از برای آخرت **فی الوسائل - قال ؑ لیس منامن ترک دنیاه لاخرته ولاخرته لدنیاه** ترجمه معصوم ؑ میفرماید نیست از ما کسی که ترک دنیا کند بجهت آخرت یا ترک آخرة کند بجهة دنیا **فی الوسائل — روی عن العالم ؑ انه قال اعمل لدنیاك كانك تعیش ابداً و اعمل لاخرتك كانك تموت غدا** ترجمه موسی بن جعفر ؑ می فرماید کار کن برای دنیا مثل اینکه زنده هستی همیشه کار کن برای آخرت مثل اینکه میمیری فردا

فی الوسائل — عن امیر المؤمنین علیه السلام قال اوحی الله الی داود ؑ انك نعم العبد لولا انك تاكل من بیت المال و لاتعمل بیدك شیئاً قال ؑ فبکی داود ؑ اربعین صباحاً فاوحی الله الی الحدید ان لن لعبدی داود ؑ فالان الله عزوجل له الحدید فكان یعمل فی كل یوم درعاً فیبیعها بالف درهم فعمل ثلثمائة و ستین درعاً فباعها بثلثماة و ستین الفاً و استغنی عن بیت المال ترجمه علی علیه السلام میفرماید وحی کرد خداوند متعال بداود پیغمبر که خوب بندهٔ هستی لیکن میخوری از بیت المال و نمیکنی ببازوی خودت کاری را پس گریه کرد داود ؑ چهل روز و نالید بخدا پس نرم کرد آهن را برای او و میساخت روزی یك زره و میفروخت بهزار درهم وساخت سیصدوشصت زره و فروخت سیصد و شصت هزار درهم ومستغنی شد از خوردن بیت المال

فی الوسائل — قال سمعت ابا عبدالله ؑ یقول لاخیر فیمن لایحب جمع المال من حلال یكف به وجهه و یقضی به دینه ویصل به رحمه ترجمه راوی میگوید شنیدم حضرت صادق ؑ فرمود نیست خیری در کسیکه دوست ندارد جمع مالرا از حلال که بواسطه او حفظ آبرو و اداء قرض ووصل کند رحم را

فی الوسائل — قال رجل لابی عبدالله ؑ و الله انا لنطلب الدنیا و نحب ان نؤتا هافقال ؑ تحب ان تصنع بهاماذا قال اعود بها علی نفسی وعیالی واصل بها و اتصدق بهاواحج واعتمر فقال ابو عبدالله ؑ لیس هذا طلب الدنیا هذا طلب الاخرة

ترجمه شخصی به حضرت صادق؛ عرض می کند والله ما طلب می کنیم دنیا را ودوست داریم که برسیم بدنیا فرمود دوست داری که چه کار بکنی بدنیا عرض کرد اداره کنم بواسطه او خودم و اهلمرا صلهٔ رحم و انفاق و حج و عمره بجای بیاورم فرمود نیستند اینها طلب دنیا آنها طلب آخرت است

فی الوسائل - قال سمعت ابا عبدالله؛ يقول انی لا عمل فی بعض ضیاعی حتی اعرق و ان لی من یکفینی لیعلم الله عزوجل انی اطلب الرزق الحلال ترجمه راوی میگوید شنیدم حضرت صادق فرمود کار می کنم در بعض املاکم تا اینکه عرق می کنم با اینکه ازبرای من است کارگر که معاونت کنند مرا برای اینکه بداند خدای عزوجل که من طلب میکنم رزق حلال را **فی الوسائل— قال دخلنا علی ابیعبدالله؛ فی حایط له فقلنا له جعلناالله فداك دعنا نعمله لك اوتعمله الغلمان قال؛ لادعونی فانی اشتهی ان یرانی الله عز وجل اعمل بیدی واطلب الحلال فی اذی نفسی** ترجمه راوی میگوید وارد شدیم بر حضرت صادق؛ در حالیکه مشغول بود به تعمیر دیوار عرض کردیم فدای توشویم بگذار که کار کنیم ازبرای تو یا کار بکنند غلامان فرمود بگذارید مرا مایلم که به بیند خدای عزوجل کارمیکنم بدستم و طلب میکنم رزق حلال را با بودن زحمت **فی الوافی — قال سمعت اباعبدالله علیه السلام یقول ان الله عزوجل اختار للانبیاء الحرث والزرع کیلا یکرهوا شیئا من قطر السماء** ترجمه راوی میگوید شنیدم حضرت صادق؛ فرمود خداوند عزوجل اختیار کرد برای انبیاء حرث و زراعت را برای اینکه کراهت نداشته باشند بارانرا **فی الوافی — قال ابوعبدالله ؛ان الله جعل ارزاق الانبیاء فی الزرع والضرع کیلایکرهوا شیئاً من قطر السماء** ترجمه حضرت صادق؛ میفرماید خداوند قرار داد ارزاق انبیاء را در زرع و در شیرپستان برای اینکه کراهت نداشته باشند بارانرا **فی الوافی — قال ابو عبد الله ؛ الکیمیاء الاکبر الزراعة**

ترجمه حضرت صادق ع می‌فرماید کیمیاے اکبر زراعت است **فی الوافی- قال سمعت اباعبدالله ع يقول الزارعون كنوز الانام يزرعون طيباً اخرجه الله وهم يوم القيمة احسن الناس مقاماً واقربهم منزلة يدعون المباركين** ترجمه راوی میگوید شنیدم جعفر ابن محمد الصادق ع فرمود زراعت کنندگان گنجهاے مردمند زراعت می‌کنند پاکیزه خارج میکند او را خدا آنها در روز قیامت نیکوترین مردمند ازجهة مقام و نزدیکترین مردمند ازجهة منزلت خوانده میشوند مبارکین **فی الوافی- قال سألت جعفر بن محمد ع عن الفلاحين قال هم الزارعون كنوز الله فی ارضه و ما فی الاعمال شئی احب الی الله من الزراعة وما بعث الله نبياً الا زراعاً الا ادريس عليه السلام فانه كان خياطاً** ترجمه راوے میگوید سئوال کردم حضرت صادق ع را از شغل فلاحین فرمود آنها زراعت کنندگاند گنجهاے الهی را در زمین خدا نیست در کارها عملی محبوب تر نزد خدا از زراعت مبعوث نکرد خدا پغمبریرا مگر زارع مگر ادریس علیه السلام که عمل او بود خیاطت **فی الوسائل- قال رأيت ابا الحسن ع يعمل فی ارض له قد استنقعت قدماه فی العرق فقلت جعلت فداك این الرجال فقال يا علی قد عملی باليد من هو خير منی وعن ابی فی ارضه فقلت ومن هو فقال رسول الله ص وامير المؤمنين ع واباٸی كلهم كانوا قد عملوا بايديهم وهو من عمل النبيين والمرسلين والاوصياء والصالحين** ترجمه راوی میگوید دیدم ابوالحسن ع را درزمینی وکار می کرد در او درحالیکه قدمهاے او پر بود ازعرق گفتم فداے تو شوم کجا هستند کارکرها فرمود کار کردند ببازوی خود کسانیکه بهتر بودند از من و از پدرم عرض کردم چه کسانی بودند آنها فرمود رسول خدا ص وامیرالمؤمنین ع وپدران من تمام آنها ببازوے خودکار میکردند واواست عمل تمام انبیاء و مرسلین و اوصیاء ومردمان نیك **فی الوسائل- قال رأيت ابا عبدالله ع وبيده مسحاة وعليه ازار غليظ يعمل فی حايط له والعرق يتصاب**

عن ظهره فقلت جعلت فداك اعطنی اکفیك فقال لی انی احب ان یتاذی الرجل بحر الشمس فی طلب المعیشة ترجمه راوی میگوید دیدم صادق آل محمد ع را بدست اوبود بیل و پوشیده بود شلواری ضخیم درحالیکه میریخت عرق از پشتش عرض کردم فدای تو شوم بده معاونت کنم تو را فرمود دوست دارم اذیت بکشد مرد ازحرارت آفتاب درتحصیل معاش **فی الوسائل** —

عن ابی عبدالله ع قال ان امیر المؤمنین ع کان یخرج ومعه احمال النوی فیقال له یااباالحسن ع ماهذا معك فیقول نخل انشاء الله فیغرسه فما یغادر منه واحدة ترجمه صادق آل محمد ع میفرماید علی علیه السلام می رفت بصحرا و با او بود بسته های هستهٔ خرما میگفتند باو چه چیز ست اینها یا اباالحسن می فرمود درخت خرما است اگر بخواهد خدا پس غرس میکرد هسته ها را و فرو گذار نمیکرد دانهٔ را * چون خداوندمتعال مدار این عالم را باسباب ووسائط قرار داده و اکثر کارها و مهمانرا بسببها مربوط نموده اگرچه قدرت آن بی سبب مهم تواند ساخت لیکن حکمت اقتضا کرده اینستکه یافتن ثواب آخرت و رسیدن به منازل کرامت را متوقف به تحصیل مال نموده به برکت مال است که اکثر مطالب بدست آید فرمود خوب معاونی است دنیا برای آخرت نیست از ما کسیکه ترك دنیا کند بجهت آخرت آدم تنبل و بیکار راازآخرت محروم نموده وعدهٔ آتش باو داده تمام انبیاء و مربیان بشر این معنی رااعلام و با بهترین بیان و مثل گوش زد کردند میگوید مثل مور باش بی زحمت بی دست و پا دانه بسوراخ نرود یعنی جدیت کن کاهل نباش قصه داود نبی را دقت کن عرق ریزیهای مربیان بشر را فکر کن بیل زدنهای رسول اکرم و ائمه معصومین را تامل کن اسلام به هیچ نحو بشر را به کاهلی تربیت نکرده کلیه بشر را به تعالی و ترقی دعوت فرموده ترقیات مملکتی را جداً طالب بوده علی علیه السلام در جواب سائل از هسته ها میفرماید درخت است

چه جوابی است چه اشارتی است میخواهد بگوید هر کدام از این دانه ها درختی خواهد شد وثمرهٔ خواهد داد هم اسباب ترقی مملکت شده هم احسان بجامعه نموده ام لذا از یك دانهٔ او صرف نظر ننمود و غرس کرد او را پس اسلام ضدیت خود را با تنبلی و بیکارے باواز بلند اعلام و عمل را سر مشق جامعه قرار داد

نتیجه فکر

فی البحار - قال ع تفکر ساعة خیر من عبادة ستین سنة ترجمه معصوم ع می فرماید فکر یکساعت بهتر است از عبادت شصت سال ❀ بسا کوتاه نظران خبر شریف را از اخبار متشابه فرض نموده و او را لا ینحل میدانستند شکر خدا را که فکر بشر این فکر خامرا برطرف نمود و حقیقت اورا آشکار کرد مگر نه این است که فکردنیا را برازصنعت نموده فکر است که معشوقهٔ دنیائی شده فکر کعبه ایست که بشر را بگرد خود طوف میدهد فکر مرکز آفتاب علوم دنیا است مخفیات عالم طبیعت بفکر کشف میشود مدار معارف برویست تمام علوم بدیعه و صنایع مستحدثه نتیجه فکر است فلاسفه عهد قدیم و عصر جدید علوم را بفکر بدست آورد اند علماء و دانشمندان دنیا بواسطه فکر بکشفیات عجیبه و ایجادات غریبه موفق شدند و بدین وسیله بمدارج عالیه تمدن ومراتب کامله ترقی نائل گردیدند پس فکرقائد وعصا کش است فکر آورنده علم است فکر قوت دهنده علم استفکر مکمل توحید است

ناشتا آب سرد خوردن

فی البحار — و یستعمل فیه شرب الماء البارد علی الریق ترجمه

آشامیده شود آب سرد در ماه دوم تابستان حال ناشتائی ❀ عبارت جزء خبری است موسوم برسالة الذهبیة راجع بدستوراتی است که حضرت رضا ع جهة حفظ الصحه بمامون می دهد یکی از کشفیات امروزه که تمام دکتر های حاذق متفق الکلمه هستند خوردن آب سرد است ناشتائی و جهة حفظ الصحه باو اهمیت میدهند

کاسه چکنم بدست نگیرید

فی البحار— قال رسول الله ص اذا اراد احدکم ان یتزوج المراة فلیسئل عن شعرها کما یسئل عن وجهها فان الشعرا حد الجمالین ترجمه رسول اکرم ص فرمود وقتی که اراده دارید تزویج زنی را البته سؤال کرده شود از موی اومثل اینکه سؤال کرده میشود ازصورت اوموهم یکی از دو جمال است**فی البحار — قال رسول الله ص اذا اراد احدکم ان یتزوج فلا باس ان یؤلج بصره فانما هو مشتر** ترجمه رسول اکرم ص میفرماید کسی که اراده دارد تزویج راعیب ندارد اینکه کاملا به بیند اورا چون خریداراست او

فی البحار قال رسول لله ص اذا اراد احدکم ان یتزوج فلا باس ان ینظر الی مایدعوه الیه منها ترجمه رسول اکرم ص میفرماید کسیکه اراده دارد تزویج را عیب ندارد این که نظر کند بآنچه مایل است از بدن زن **فی الوسائل -عن علی ع فی رجل ینظر الی محاسن امراة یریدان یتزوجها قال ع لاباس انماهو مستام فان یقض امر یکن** ترجمه سؤال کردند از علی ع کسیکه اراده دارد تزویجرا نظربکند بموضعهای نیك که در بدن زن

است فرمود عیب ندارد چون اواست معامله کننده اگر بگذرد امر ثابت میماند او **فی الوسائل — قال سألت ابا جعفر ع عن الرجل یریدان یتزوج المراة ینظر الیها قال ع نعم انما یشتریها باغلی الثمن** ترجمه راوی میگوید سؤال کردم

از محمد ابن علی الباقر ع کسیکه اراده دارد تزویج زنی را به بیند اورا فرمود بلی شراء میکند او را بگران ترین قیمت **فی الوسائل- قال قلت لابیعبد الله ع الرجل یریدان یتزوج المراة یتاملها وینظر الی خلقها والی وجهها قال ع نعم لا باس ان ینظر الرجل الی المراة اذا اراد ان یتزوجها ینظر الی خلقها والی وجهها** ترجمه راوے میگوید گفتم به جعفرابن محمد الصادق ع کسیکه اراده دارد تزویج زنی را نظر بکند به خلقت بدن وصورت او تامل و دقت بکند در او فرمود بله عیب ندارد اگر اراده دارد تزویج او را **فی الوسائل — عن ابیعبد الله ع انه سئل عن الرجل ینظر الی المراة قبل ان یتزوجها قال ع نعم فلم یعطی ماله** ترجمه سؤال کرده شد جعفر ابن محمد الصادق ع دیده بشود زن قبل از اینکه تزویج کرده شود فرمود بله پس بجهه جهة مال خود را میدهد باو **فی الوسائل — قال قلت لابیعبد الله ع الرجل یرید ان یتزوج المراة اینظر الی شعرها فقال ع نعم انما یرید ان یشتریها باغلی الثمن** ترجمه راوی میگوید سؤال کردم از معصوم ع کسیکه اراده دارد تزویج زنی را نظر بکند بموے او فرمود بله قصد کرده است شراء کند او را بگران ترین قیمت **فی الوسائل- قال قلت لابیعبدالله ع الرجل یرید ان یتزوج المراة یجوزله ان ینظر الیها قال ع نعم و ترقق له الثیاب لانه یرید ان یشتریها باغلی الثمن** ترجمه راوے میگوید سؤال کردم ازصادق آل محمد ع کسیکه اراده دارد تزویج کند زنی را جائز است از برای او اینکه به بیند او را فرمود بله و بپوشد از برای او لباس نازك بجهة اینکه قصد کرده است شراء کند او را بگران ترین قیمت **فی الوسائل — قال قلت لابی عبد الله ع ان صاحبتی هلکت وکانت لی موافقة و قد هممت ان اتزوج فقال ع لی انظر این تضع نفسك و من تشرکه فی مالك و تطلعه علی دینك وسرك فان کنت لابد فاعلا فبکراً تنسب الی الخیر والی حسن الخلق و اعلم**

انهن كما قال الا ان النساء خلقن شتى فمنهن الغنيمة و الغرام ومنهن الهلال اذا تجلى لصاحبه ومنهن الظلام فمن يظفر بصالحتهن يسعد و من يعثر فليس له انتقام و هن ثلث نامرة بكرو لود و دود تعين زوجها على دهره لدنياه و اخرته ولاتعين الدهر عليه و امراة عقيم لاذات جمال ولاخلق ولاتعين زوجها على خير و امراة صخابة و لاجة همازة تستقل الكثير و لا تقبل اليسير ترجمه راوے میگوید به صادق آل محمد ع عرض کردم فوت نموده است زوجه ام که موافق بود با حالم و عزم کردم تزویجرا فرمود ملاحظه کن با چه کسی وصلت میکنی وچه کسیرا شریك میگردانی درمالت و مطلع میکنی او را بر دین و بر اسرارت پس اگر عازم هستی تزویج کن زن باکره که منسوب باشد بخیر و بخلق نیك بدانکه زنها خلق شده اند مختلف بعضی از آنها غنیمة است و شدید العلاقة هستند بشوهر بعضی از آنها مثل هلال است وقتی که تجلی میکند بعضی از آنها بسیار ظلم کننده هستند بشوهر کسیکه ظفر یافت بصالح آنها درك نموده است سعادت را کسیکه لغزید نیست برای او انتقامی زنها سه نمره هستند زن باکره و لود و بسیارشوهر دوست معاونت میکند او را در امور زندگی دنیوے و اخروے زن عقیم که نیست برای او جمال و خلق نیك و معاونت نمیکند او را در امرخیر زن شدیدالصوت که بسیار وارد شونده است برشوهر و طعنه زننده و عیب کواست اورا کم می بیند بسیار را قبول نمیکند کم را **فی الوسائل–قال سمعت اباعبدالله ع يقول انما المراة قلادة فانظر ما تتقلد وليس للمراة خطر لا لصالحتهن ولالطالحتهن فاما صالحتهن فليس خطر ها الذهب و الفضه هی خير من الذهب والفضه واما طالحتهن فليس خطرها التراب التراب خير منها** ترجمه راوے میگوید شنیدم جعفر ابن محمد الصادق ع فرمود زن بمنزلهٔ قلاده است ملاحظه و دقت کنید در این قلاده نیست برای زن مثل و شانی نه از برائے نیکان آنها و

نه از برای بدان آنها اما نیکان آنها نیست مثل و شان آنها طلا ونقره آنها بهترند ازطلاونقره اما بدان‌آنها نیست مثل و شان آنها خاك خاك بهتراست از آنها

فی‌البحار — عن الصادق ؏ قال قلت له ؏ انی ارید اتزوج امراة و ان ابوی ارادا غیرها قال ؏ تزوج التی هویت ودع التی هوی ابواك ترجمه راوی میگوید سؤال کردم از حضرت صادق ؏ اراده کرده ام تزویج زنی را پدر و مادرم اراده کرده اند غیر او را فرمود تزویج کن زنی را که میل تو است باو وا گذار کن زنی را که پدر و مادر مایلند باو ❀

غرض واقعی از ازدواج ۱ ـ حفظ سلسلهٔ وجود بنی‌آدم ۲ ـ تشکیل هیئت اجتماعیهٔ بشر که بهم مربوط و پیوند بشوند ۳ ـ صحت مندی مزاج ۴ ـ معاونت بهمدیگر در امور زندگی دنیوی و اخروی اصولی است که سعادت وخوشبختی بشر منوط باو است نائل شدن باین سعادت موقوف بشرائطی است که اعمال آن از اهم امور است این است که قانون گذار اسلام باو اهمیت داده و سعادت بشر را باو متوقف نموده قبلاً و بعداً شرائط ودستوراتی جهت آن مقرر فرمود برای رسیدن بسعادت و استحکام این علاقه و پیوند وعدم گسیختن آن اموری چند فرض ولازم شمرد این است که قبلا رؤیت همدیگر را قانون گذارده رضایت طرفین را شرط و واجب نموده تأمل و دقت در این امر را مهم دانسته میتوان گفت مهمترین قوانین اسلام مسئله ازدواج است لذا جمع مابین دنیا وآخرت را باو متوقف نمود مختصری از فوائد رضایت و خوشنودی از یکدیگر در تحت چند ماده توضیح داده میشود . ادامهٔ بین آنها . کثرت نسل . زندگانی خوش . مسرت دائمی مردو زن . صحت مزاج . نبودن ضرر درحال وقاع با حالت عشق ومحبت . محبت بین خویشان مرد و زن . تشکیل هیئت اجتماعیه بشر . معاونت بیکدیگر درامور زندگی

از روی شوق و صفا دنیوی و اخروی ، عشق مرد در تجارت و زراعت و کار ، عشق زن در امور خانه از نظافت طبخ خانه داری ، حفظ وحراست نمودن مال شوهر را حضوراً و غیاباً ، برطرف شدن حزن و غم از ملاقات یکدیگر ، جلوگیری از خیالات فاسده مرد و وارد نشدن در اعمال قبیحه ، حفظ نمودن زن خود را از اجانب ، حفظ نسل ، **نتائج مترتبه بر اولاد** ، استوأ خلقت در حال انعقاد نطفه با حالت شوق و محبت ، مؤثر بودن حالت عشق و میل در حال وقاع در استعداد و ذکاوت ، کثرت عقل و شعور و حافظه ، فصاحت و بلاغت ، خوشگلی صورت و ملاحت ، بشاشی صورت و طلاقت وجه ، خوش اندامی بدن واعضاء ، خوشحالی از پدر ومادر ، طلب مغفرت و دعا نمودن بآنها ، چالاك و زرنگی آنها در کار و شغل ، مایل بودن بخیرات و به کارهای نیك ، میل بخدمت نمودن بهم نوع ، محبوب بودن آنها نزد جامعه ، میل بخدمت نمودن بدولت ومملکت ، خوشحالی خدا ورسول از آنها ، حسن عاقبت ، دخول درجنة ، مخفی و پوشیده نماناد که موافق نبودن اخلاق وعدم رضایت نتائج آن برعکس خواهد بود ونظریات شارع مقدس را در مسئله ازدواج ازدستوراتی که مقرر فرمودند چه قبل از ازدواج چه بعد میتوان اهمیت آن را بدست آورد و فوائد مذکوره را یك هزارم آن دانست تبصره مراد از لفظ پشتریها که در بعضی اخبار ذکر ان شده بقرائن خارجیه خریدن نیست بلکه کنایه از شدت اهتمام باحسان و محافظت نمودن زن است از مهالك ومخاطر



اهمیت ازدواج
وقر واحترامات زن دراسلام
وظائف مرد ـ وظائف زن

فی الوسائل ـ قال رسول الله ص من تزوج احرز نصف دینه ترجمه رسول اکرم ص میفرماید کسیکه زن گرفت محافظت نموده است نصف دینش را **فی الوسائل - قال رسول الله ص من احب ان یلقی الله طاهراً سطهراً فلیلقه بزوجة** ترجمه رسول خدا ص فرمود کسیکه دوست دارد ملاقات کند خدا را پاك و پاکیزه ملاقات کند او را در حالیکه برای او باشد زن **فی الوسائل - قال رسول الله ص یا معشر الشاب علیکم بالباه** ترجمه رسول اکرم ص فرمود ای گروه جوانان لازم است برای شما جماع **فی الوسائل ـ قال رسول الله ص ما احب من دنیاکم الاالنساء و الطیب** ترجمه رسول اکرم ص می فرماید دوست ندارم از دنیای شما مگر زن و عطر را **فی الوسائل ـ قال النبی ص حبب الی من دنیاکم النساء والطیب وجعل قرة عینی فی الصلوة** ترجمه رسول اکرم ص فرمود محبوب است نزد من از دنیای شما زن و عطر و قرار داده شد نور چشمم در صلوة **فی الوسائل ـ قال رسول الله ص جعل قرة عینی فی الصلوة و لذتی فی النساء** ترجمه رسول اکرم ص میفرماید قرار داده شده نور چشمم در صلوة و لذتم در زن **فی الوسائل ـ قال رسول الله ص ملعون ملعون من ضیع من یعوله** ترجمه رسول اکرم ص فرمود ملعونست ملعون کسیکه ضایع بگذارد عیالش را **فی الوسائل ـ قال رسول الله ص خیرکم خیرکم لاهله و انا خیرکم لاهلی**

ترجمه رسول خدا ص فرمود بهترین شما احسان کننده ترین شما است نسبت باهل و من احسان کننده ترین شما هستم نسبت باهل **فی الوسائل – قال رسول الله ص الا خیرکم خیرکم لنسائه و انا خیرکم لنسائی** ترجمه رسول اکرم ص فرمود آگاه باشید ایمردم بهترین شماها انسانی هستند که نیکی کننده ترین شماها باشد نسبت بزنها و من نیکی کننده ترین شما هستم بزنهایم **فی الوسائل – قال رسول الله ص انما المرئة لعبة من اتخذها فلایضیعها** ترجمه رسول اکرم ص میفرماید زن بازیچه و سبب تفریح و لذت شما است پس کسی که دارای زن شد ضایع نگذارد او را **فی الوسائل – قال رسول الله ص خیر نسائکم العفیفة الغلمة** ترجمه رسول اکرم ص میفرماید بهترین زنهای شما زنی است با عفة و پر شهوت **فی الوسائل - عن ابی جعفر ع قال لاینبغی للمراة ان تعطل نفسها و لو ان تعلق فی عنقها قلادة و لاینبغی ان تدع یدها من الخضاب و لو ان تمسحها مسحاً بالحناء و ان کانت مسنة** ترجمه محمد ابن علی الباقر ع میفرماید سزاوار نیست از برای زن که مهمل بگذارد نفس خود را اگر چه شده است آویزان کند در گردنش طوقی وسزاوار نیست از برای او ترك خضاب اگرچه شده است مس نماید حنا را بدست اگر چه باشد پیره زن **فی الوسائل- عن ابیعبدالله ع قال جاء رجل الی ابی فقال ع له هل لك من زوجة قال لافقال ابی ما احب ان لی الدنیا و مافیها و انی بت لیلة ولیست لی زوجة ثم قال ع الرکعتان یصلیهما رجل متزوج افضل من رجل اعزب یقوم لیله و یصوم نهاره ثم اعطاه ابی سبعة دنانیر ثم قال ع تزوج بهذه ثم قال ابی قال رسول الله اتخذوا الاهل فانه ارزق لکم** ترجمه صادق آل محمد ع میفرماید شخصی آمد خدمت پدرم باو فرمود آیا از برای توهست عیالی عرض کرد خیر پدرم فرمود دوست ندارم مالك دنیا بشوم وبخوابم یك شب بی زن بعد

فرمود دو رکعت نماز آدم متأهل نزد خدا افضل است از آدمیکه تمام شبها را به عبادت و روز ها را بروزه و نباشد از برای او زن و عطا کرد باو هفت دینار و امر نمود او را بتزویج پس فرمود پیغمبر ص امر و تاکید نموده است عمل تزویج را چون در او است معاونت رزق **فی الوسائل — عن ابیعبدالله قال ع من اخلاق الانبیاء حب النساء** ترجمه صادق آل محمد ع میفرماید از اخلاق انبیاء است دوست داشتن زنها **فی الوسائل — قال رجل سمعت الصادق ع یقول کلما ازداد للنساء حباً ازداد فی الایمان فضلا** ترجمه شخصی گفت شنیدم حضرت صادق ع فرمود هر قدر زیاد شود در قلوب محبت زن باعث زیادتی فضیلت است در ایمان **فی الوسائل — عن ابی عبدالله ع قال کل من اشتد لناحبا اشتد للنساء حب وللحواء** ترجمه صادق آل محمد ع میفرماید هر کس شدید و محکم بشود محبتش نسبة بما شدید و محکم میشود محبتش نسبة بزن و بشرینی **فی الوسائل — عن ابیعبد الله قال ع اکثروا الخیر فی النساء** ترجمه جعفر ابن محمد الصادق ع میفرماید بسیار کنید نیکی و خیر را نسبة بزنها **فی الوسائل - قال الراوی رأیت ابا الحسن ع اختضب فقلت جعلت فداك اختضبب فقال ع نعم ان التهیة مما تزید فی عفة النساء ولقد ترك النساء العفة بترك ازواجهن التهیة ثم قال ع ایسرك ان تراها علی ما تراك علیه اذ کنت علی غیر تهیة قلت لا قال ع فهو ذاك ثم قال ع من اخلاق الانبیاء التنظف و التطیب و حلق الشعر وکثرة الطروقة** ترجمه راوی میگوید ملاقات کردم معصوم را در حالیکه خضاب کرده بود عرض کردم فدای تو شوم خضاب نمودهٔ فرمود بلی اقدام باین امور زیاد میکند عفت زنها را بتحقیق زنها ترك عفت نمودند بواسطهٔ اینکه شوهرها ترك نمودند زینت را پس فرمود آیا مسرور میشوی اینکه به بینی او را غیر مزینه عرض کردم خیر فرمود

او هم مثل تو است پس فرمود از اخلاق انبیاء است پاکیزگی و عطر و ازالهٔ مو وکثرة طروقه **فی الوسائل - عن ابی ابراهیم ع جهاد المرئة حسن التبعل** ترجمه معصوم ع میفرماید جهاد زن خوب شوهرداری است ❀ قوام سلسلهٔ اهل عالم بمزاوجت متعلق و مربوط ودوام اساس بقاے بنی آدم بمنا کحت وابسته و منوط است فوائد دنیوے و اخروے درضمن این امر مندرج پس بنی نوع بشر را تزویجی که باعث استحکام رشته بقا و موجب انتظام امر دین و دنیا است اهم و ضرور است چون وجود بنی آدم بقانون ازدواج بر پا ومحکم است واساس جمعیت بشریت ازازدواج حاصل سعادت جمعیت بشریت را حالا و استقبالا ازدواج علت و سبب است محبت وشفقت و قرابت بلکه کافه روابط انسانیه وفضایل مقبوله بشریت بطفیل ازدواج حاصل و منظم است تمام ذوی الحیات حتی نباتات قانون ازدواج را تابع و سلسلهٔ عشق ومحبت و علاقهٔ الفت و پیوند جنسیت را پابند و مربوطند ازدواج خادم مدنیت و انسانیست است انسان بر حسب طبیعت و به مقتضاے فطرت محال است که در گوشهٔ خلوت و بحال وحدت زندگیرا بسر برد بلکه مجبور است با بنی حود متفق و جمعیت و آرام گاهی ترتیب داده تعیش نماید و حصول اجتماع را وجود مرد و زن لازم و بقاء آن بازدواج موقوف ومنحصراست لذا ازدواج را یك رکن اعظم انسانیت شمرده اند حکماء و پروفسور هاے دنیا ازدواجرا خدمتی بزرك برای وطن و بقاء ملت دانسته اند براے تزاید و افزونی ملت ترغیب بازدواج مینمودند علاوه نزد حکماء و اطباء قدیماً و جدیداً امر ازدواج صرف حصول تناسل مقصود و مراد نیست بلکه یك فعل طبیعی منظور است که تمام اعضاء جسمانیرا نشوونما داده افعال حیاتیه وملکات عقلیه را قائم و دائم بدارد مثلا هر ذی روحی که صاحب اعضاء هاضمه است چنانچه برای زیست از اکل وشرب و دفع فضلات پابند امرطبیعی است

هم چنین تمام مخلوقی که دارای اعضاء تناسل اند برای ابقاء و اجراء امور متعلقه باعضاء تناسلی بازدواج مجبور و ناچارند چنانچه هرانسانی را وقت گرسنگی خوردن ووقت تشنگی آشامیدن فرض و ضروراست همچنین موقع اشتیاق و اشتعال قوه شهویه اعتدال مزاج وصحت بدن و جمعی حواس به جماع منوط ومربوط است لذا شارع مقدس جماع را برای جوانان مهم دانسته ازدواج صحت بدنرا پایدارمیکند آتش هوا وخیالات فاسده را تسکین میدهد خوابهای عاشقانه و پریشانرا دور می‌نماید حال که فهمیدیم ازدواج وسیله اخلاق حمیده وخصال پسندیده و ملجاء بشریت و حافظ صحت و مایهٔ انسانیت است خوبست دستور بزرگان ومربیان بشررا آنچه وظائف مقررفرموده‌انداطاعت و پیروی نموده‌تا بهرهٔ اورا دیده وثمرهٔ او را چشیده بیانات رسول خدا وائمه هدی رانسبت بوظائف مردوزن تفکرکن دستوری است که منشاء نتائج عالیه وفوائد حسنه خواهد بود شجره ایست که ثمرهٔ آن شیرین و مفرح روح پس علة العلل سعادت و مسبب الاسباب نجات همانا عمل نمودن بوظائف است که موجب اتحاد و محبت زن و شوهر است هیچ چارهٔ و هیچ راه نجاتی برای جلوگیری از ملك الموت زندگانی جز تمسك بریسمان محکم یگانگی و مودت با یکدیگر متصور نیست در این صورت لازم و متحتم است که خانهٔ داخلی را از لطمات موجهای مخالفت و خصومت نگاهداری کنیم و از منازعه و مشاجرهٔ باهم که جز خرابی خانمان نتیجه نمیدهد بانهایت جد و جهد و با یك ثبات قدم بایداحترازجوئیم برعکس عمل نه‌نمودن بوظائف شجره‌ایست که ثمرهٔ آن تلخ ترازحنظل و کشنده روح برای قبض روح سعادت وخوشبختی عزرائیلی هولناك تر از این در تصور نمی گنجد بحکم شرع و عقل و به فتوی تجربه جمیع ملل راقیه نزاع داخلی و فتنه و آشوب بین زن و شوهر

مانع ترقی و جلوگیر از سعادت انسانی است جز خسارت جانی و مالی و تحلیل قوای دماغی فائده دیگری عاید نگردد روز بروز بر پریشانی و فقر خواهد افزود و شعلهٔ فتنه بالا خواهد گرفت ضرر این فتنه نه منحصر است بخود آنها برهم زننده دو طائفه است بلکه مؤثر بجامعه ومملکت خواهد بود از این جهت است که در بعضی از ممالك بوظائف خود عمل نموده توقیر و احترامات همدیگر را مواظبت نموده و باو اهمیت میدهند خاصه نسبت بزن این معنی فوق العادهٔ مورد توجه و آنها را معزز و محترم میدارند و اگردر این اخبار که راجع است بتوقیر و احترامات زن و محبت و احسان نمودن بآنها دقت شود معلوم خواهد شد که حقیقت این اخبار در بعضی از ممالك طلوع کرده و جلوهٔ خود را میدهد و آنها را مطیع این قانون خواهند دانست

حالات زن در قدیم

سورة مبارکة نحل — و اذا بشر احدهم بالانثیٰ ظل وجهه مسوداً و هو کظیم یتواری من القوم من سوء ما بشر به ایمسکه علی هون ام یدسه فی التراب الاساء ما یحکمون ترجمه وقتیکه بشارت دادهٔ میشد بدختر سیاه می گردید صورت او و محزون میگردید و پنهان میشد از مردم از خجالت و بدی این مژدهٔ متفکر بود ایانکه دارد او را با خاری و عار یاپنهان کنداورا در خاك آ گاه باشید بداست آنچه را که حکم میکردند ✿ کسانیکه مطلعند از تاریخ میدانند در زمان قدیم زن در جامعه بشر حکم صفر داشته اهمیتی باو نمیدادند در شمار کنیزان و خدمتکاران بوده شخصیتی نداشته بلکه او را بین انسان و حیوان جنس ثالثی فرض میکردند پست تر از بهائم

و حیوانات گردید مرد بر او حکمران و فعال ما یشاء بود بهوا و هوس خود
آنچه را که میخواست در باره او مینمود زن بسیار کوچك و ذلیل و پست شد
امر حیات و ممات آنها بدست مردان بود حتی بکشتن او و زنده بگور
گذاردن او طائفهٔ بزرگی از عرب دختران خود را زنده بخانهٔ قبر پنهان و
در پردهٔ خاك مستور مینمودند هنگام زائیدن گودالی میکندند و در سر آن
گودال می نشستند و میزائیدند هر گاه دختر بود فوراً او را زنده در
گودال انداخته دفن مینمودند و اگر پسر بود بر میداشتند و بزرگش می
نمودند در عصر جاهلیت و زمان بربریت طائفهٔ دختران را به معرض خرید
و فروش در آورده متجر خود قرار میدادند همان معامله که با کنیزان
و دواب میکردند با زن هم همان معامله را میکردند هر گاه برای مردی
دختری بعرصه وجود می آمد از کثرت حیا و خجلت نمی توانست در حلقه
مردان در آید گویا گناهی بزرك ازاو سر زده که از او دختر شده تاریخ
زن گریه آور و غم انگیز است داستانی است پر از شدائد و مهالك در روز
کار های ظلمانی چه رنجها برده در بیچارگی و درمندگی چه مراحل پیموده
مجسمهٔ بی ارادهٔ شد که جامعهٔ اسارترا می پوشید و عمری در ذلت میگذرانید
همینکه خورشید عالمتاب اسلام طلوع نمود قواعد و قوانین محکمهٔ
نهاد که زنرا از گمنامی و بد نامی رهائی بخشد و از حضیض مذلت باوج
عزت برساند حدود زنرا معین و تکالیف اورا مشخص و بقدر قابلیت واستعداد
او را متنعم و متخصص بنعم و خصائص فرمود که در آسایش و رفاه در هیئهٔ
اجتماعیه بسهولت و ارامی و عزت و شرافت زندکانی کند از اینوقت زن
مقامی یافت و حقوقی بدست آورد حیات نوینرا پیدا کرد در تحت لواء اسلام
معزز ومحترم گردید

تشکر کنید از مولود سوی الخلقه

فی الوسائل - کان علی بن الحسین ؏ اذا بشر لولد لم یسئله اذکر هو ام انثی حتی یقول اسوی فاذا کان سویا قال ؏ الحمد لله الذی لم یخلق منی خلقا مشوها ترجمه وقتیکه خبر داده میشد علی بن الحسین ؏ از مولود ابتدأ سؤال نمی فرمود پسر است یا دختر سؤال میفرمود آیا صحیح وسالم است خلقت او یاناقص پس ازمژده صحت میفرمود حمدخدارا که خلق نفرمود ازمن اولاد قبیح وناقص الخلقة را

مهمانی رفتن بی دعوت

فی الوسائل - عن ابیعبد الله ؏ قال اذا دعی احدکم الی طعام فلا یتبعن ولده فانه ان فعل اکل حراماً و دخل عاصیاً ترجمه جعفر بن محمد الصادق ؏ می فرماید وقتی که دعوت کرده شد کسی بسوی طعام البته همراه نبرد ولد خود را اگر برد خورده است حرام و داخل شده است عاصیاً **فی الوسائل - قال سمعت اباعبد الله ؏ یقول من اکل طعاماً لم یدع الیه فانما اکل قطعة من النار** ترجمه راوی می گوید شنیدم حضرت صادق ؏ فرمود کسیکه بخورد از طعامیکه دعوت نشده است باو خورد است قطعه از آتش را



اخبار از مکروب و مواد سمی دهن

فی الوسائل – قال النبی ص ما زال جبرائیل یوصینی بالسواك حتی خفت ان احفی او ادرد ترجمه نبی اکرم ص میفرماید همیشه جبرئیل وصیت میکرد مرا بمسواك تا اینکه ترسیدم باتها برسانم یا بکلی از بین به برم **فی الوسائل – قال رسول الله ص ما زال جبرئیل یوصینی بالسواك حتی ظننت انه سیجعله فریضة** ترجمه رسول اکرم ص میفرماید همیشه جبرئیل وصیت می کرد مرا بمسواك تا گمان کردم واجب خواهد کرد او را

فی الوسائل – قال رسول الله ص لو لا ان اشق علی امتی لامرتهم بالسواك مع کل صلوة ترجمه رسول اکرم ص می فرماید اگر نمود که به مشقت می انداختم امت خودرا هر آینه واجب میکردم مسواك را باهرنمازی **فی الوسائل – قال رسول الله مالی اراکم قلحاً ما لکم لا تستاکون** ترجمه رسول اکرم ص فرمود می بینم دندانهای شمارا زرد وچرك چه چیزاست شمارا که مسواك نمیکنید **فی الوسائل – قال النبی ص لعلی ع یا علی علیك بالسواك عند وضوء کل صلوة** ترجمه نبی اکرم ص فرمود یا علی برتو باد به مسواك در وضوء هر نمازے **فی الوسائل - فی وصیة النبی ص لعلی ع قال علیك بالسواك لکل وضوء** ترجمه نبی اکرم ص بعلی ع فرمود بر تو باد به مسواك در هر وضوئی **فی الوسائل- قال امیر المؤمنین ع السواك یجلو البصر** ترجمه علی علیه السلام میفرماید مسواك جلا میدهد چشم را **فی الوسائل – عن ابی جعفر ع قال شکت الکعبة الی الله عز وجل ما تلقی من انفاس المشرکین فاوحی الله الیها قری کعبة فانی مبدلك بهم قوماً یتنظفون بغضبان الشجر فلما بعث الله محمداً اوحی الیه مع جبرئیل بالسواك والخلال** ترجمه محمد بن علی الباقر ع میفرماید شکایت کرد کعبه سوے خدا

از نفسهاے مشرکین خدا وحی کرد قرار بگیر ایکعبه مبدل میکنم این قومرا بقومی که نظیف می کنند خودشانرا بشاخه هاے درخت بس چون مبعوث شد محمد ص وحی کرد باو به مسواك و خلال **فی الوسائل — قال ابو جعفر ؏ لکل شئی طهور و طهور الفم السواك** ترجمه محمد ابن علی الباقر ؏ میفرماید براے هرچیز آلت نظافت است آلت نظافت دهن مسواك است

فی الوسائل — عن ابی جعفر ؏ قال السواك یذهب بالبلغم ویزید فی العقل ترجمه حضرت باقر ؏ می فرماید مسواك می برد بلغم را وزیاد میکند عقل را

فی الوسائل — عن ابی عبدالله ؏ قال السواك یذهب بالدمعة و یجلوالبصر ترجمه حضرت صادق ؏ میفرماید مسواك می بردترشح آب چشم راوجلا میدهدنوراورا

فی الوسائل — روی لو علم الناس ما فی السواك لاباتوه معهم فی لحاف ترجمه روایت شده است ازمعصوم ؏ اگر بدانند مردم چه منافعی است درمسواك هر آینه بیوته میکردند زیر لحاف با مسواك **فی الوسائل — عن ابی عبدالله ؏ قال رکعتان بالسواك افضل من سبعین رکعة بغیرسواك** ترجمه حضرت صادق ؏ میفرماید دو رکعت نماز بامسواك افضل است ازهفتاد رکعت نماز بیمسواك

فی الوسائل — عن ابیعبد الله ؏ قال فی السواك اثنا عشرة خصلة هومن السنة و مطهرة للفم و مجلاة للبصر و یرضی الرب و یذهب با لبلغم و یزید فی الحفظ و یبیض الاسنان و یضاعف الحسنات و یذهب با لحفر و یشد اللثة و یشهی الطعام و تفرح به الملئکة ترجمه جعفر ابن محمدالصادق ؏ میفرماید درمسواك دوازده خصلةاست عمل بقانون . آلت نظافت است ازبراے دهن . آلت جلا است ازبرای چشم . خوشنود میکندخدارا . می برد بلغمرا . زیاد میکندقوه حافظه را . سفید میکند دندانهارا . مضاعف میکند حسناترا . می برد زردی دندان را . محکم میکند لثه را . زیاد میکند میل بطعام را . فرح ناك میشود بواسطه او ملائکه **فی الوسائل — عن ابی عبد الله ؏**

قال من سنن المرسلین السواك ترجمه حضرت صادق ع میفرماید از سنن و قوانین انبیاء مسواك است **فی الوسائل – قال ابوعبد الله ع من اخلاق الانبیاء السواك** ترجمه حضرت صادق ع میفرماید ازاخلاق انبیاء مسواك است **فی الوسائل-**
قیل لابی عبدالله ع اتری هذا الخلق کلهم من الناس فقال ع الق منهم التارك للسواك ترجمه گفته شد بحضرت صادق ع آیا تمام این مردمرا انسان میدانی فرمود القاء کن از آنها تارك مسواك را ✿ کلیة مسموم و فاسد بودن خون مزاج را ازحال طبیعی خارج وتغییراتی در بدن میدهد باعث بسیارے از مرضها خواهد شد مخصوصاً اعضاء رئیسه را از قبیل قلب کبد معده از عمل باز میدارد چون جزء عمده خون عبارت است از عده زیادی اجزاء صغار موسوم به گلبول که در آن شناورند یك میلیمتر مکعب خون کرور ها ازاین اجسام را حاوے است عمل آنها است جذب اکسیژن و حمل آن با کمال سرعت درتمام اجزاءبدن‌خون فاسد گلبولها را ضعیف نموده این است که درست بعمل‌خوداستقامت نمیکنند بعلاوه علت‌عمده بروز امراض مسریه بواسطهٔ مکروب هائی است که در هوا پراکنده و متفرق است درمواقع متناسب از راه تنفس وارد خون میگردد و یا مواقعیکه زخمی درسطح بدن باشد روی زخم نشسته داخل در خون شده در آنجا نشو و نما میکنند و ابتلای بامراض مسریه مربوط باستعداد مزاجی و موقعیت میباشد و اشخاصیکه خون آنها فاسدوضعیف المزاج هستند بیش تر مستعد برای قبول امراض میباشند پس از ابتلا خیلی خطرناك و اغلب در آنها منجر بمرك میگردد پس لازم است که همیشه خود را برای استقامت و دفاع از امراض مسریه حاضر نموده و آن موقوف به تصفیه خون ودفع نمودن کثافات است ازآن ازاخبارشریفه همچه مستفاد میشود که مکروب و کثافت دهن خون را فاسد و او را مسموم مینماید البته بادهن پر از کثافت و عفونت و بلعیدن آب دهان یا خوردن غذا و آشامیدن آب

مخلوط بآنهاشده وارد معده میشوندجزء خونمیگرددخونرا مسموم وموجب اتلاف گلبولها میشود این است که انسان مستعد برای بسیاری ازمرضها خواهد شد پس یکی ازاصول مهمه حفظ الصحه مسواك ودهن شوئی است درکتب حفظ الصحه مینویسد تا کنون مکروبهای بسیار بانواع مختلفه در دهان مشاهده شده اطباء و دکترهاے حاذق قسمت مهمی ازمرض ها را راجع بآن میدانند و بعضی از مرض ها را بکشیدن دندان یاامر نمودن بمسواك معالجه میکنند جای شك وشبهه نیست که رضای حق جلاے چشم ذهاب بلغم زیادی حفظ مضاعف شدن حسنات محکمی لثه زیادے اشتها فرح ملائکه که درخبرمذکور شد تمام آنها مربوط است بتصفیه خون خون پاك مزاج را معتدل شیطان را دور میسازد شرارت نفس را می برد اخلاق رذیله مبدل باخلاق حمیده میگردد اهمیت این مکروب بحدی است که جبرئیل همیشه موقع نزول مسئله مسواك وشست شوی دهن را تجدید و باو اهمیت میداد خداوند متعال این مکروب را بجمیع سفراء خود خبر داد لهذا تمام انبیاء شست وشوی دهان و مسواك را مواظبت می نمودند برای اهل نظر و دقت خبرشریف حیرت انگیزاست فرمود تارك مسواك از بشر محسوب نخواهد بود چگونه مواد سمی دهان تارکین مسواك را از درجه و رتبه انسانیت خلع مینماید معلوم میشود کارخانه بدن را از نظام طبیعی رو بفساد و اضمحلال میگذارد نه تنها مؤثر در خرابی مملکت بدن است بلکه عادات حسنه واخلاق حمیده اورا مبدل بعادات قبیحه واخلاق رذیله خواهدنمود و آفتاب علم و دانش وجودت ذهن از افق او غروب خواهد کرد پس آدمی که دارای یك همچو عنصر وروحی شد البته از دایره انسانیت خارج و از بنی نوع بشر محسوب نخواهد شد



حفظ الصحة و اخبار ا راسید کربونیك

فی الوسائل - عن ابیعبد الله ع قال نهی رسول الله ص عن العبة الواحدة فی الشراب و قال ص ثلثاً و اثنتین ترجمه صادق آل محمد ع میفرماید نبی اکرم ص نهی فرمود از آشامیدن آب بیك نفس فرمود آشامیده شود به سه نفس یا دو نفس فی الوسائل- عن ابیعبدالله ع قال کان امیر المؤمنین ع یکره النفس الواحد فی الشرب و قال ع ثلثة انفاس او اثنتین ترجمه حضرت صادق ع می فرماید علی ع کراهت داشت از آشامیدن آب به یك نفس فرمود آشامیده شود سه نفس یا دو نفس فی الوسائل- عن ابیعبد الله ع انه شرب و تنفس ثلث مرات یرتوی فی الثالثة ترجمه راوی میگوید حضرت صادق ع آب میخورد به سه نفس در مرتبه سوم سیراب میشد

فی الوسائل — عن ابیعبد الله ع قال ثلثة انفاس فی الشرب افضل من نفس واحد ترجمه راوی میگوید حضرت صادق ع فرمود آشامیدن آب بسه نفس افضل است از یك نفس فی الوسائل — قال ابو عبد الله ع ان الرجل منکم لیشرب الشربة من الماء فیوجب الله له بها الجنة ثم قال انه لیاخذ الاناء فیضعه علی فیه و یسمی ثم یشرب فینحیه و هو یشتهیه فیحمد الله ثم یعود فیشرب ثم ینحیه فیحمد الله ثم یعود فیشرب ثم ینحیه فیحمد الله فیوجب له عز وجل بها الجنة ترجمه صادق آل محمد ع می فرماید ممکن است بواسطه آشامیدن آب خداوند متعال بهشت را برای انسان واجب کند فرمود میگیرد ظرف آب را بدست و بسم الله میگوید و می آشامد پس دور میبرد ظرف آب را در حالتیکه مایل است باو وحمد میکند خدا را باز شروع میکند بآشامیدن و دور بردن ظرف و حمد میکند خدا را باز شروع میکند بآشامیدن و دور بردن ظرف و حمد میکند خدا را

واجب میکند خدا بهشت را از برای او **فی الوسائل- قال سمعت ابا عبدالله**
الله یقول ان الرجل لیشرب الشربة فید خله الله بها الجنة قلت و کیف
ذاك قال ع ان الرجل لیشرب الماء فیقطعه ثم ینحی الما و هو یشتهیه
فیحمد الله عز وجل ثم یعود فیه فیشرب ثم ینحیه و هو یشتهیه فیحمد
الله عز وجل ثم یعود فیشرب فیوجب الله عز وجل له بذالك الجنة
ترجمه راوی میگوید شنیدم حضرت صادق ع فرمود ممکن است بواسطه
آشامیدن آب خداوند متعال انسان را داخل بهشت کند عرض کردم چگونه
میشود این مطلب فرمود انسان می آشامد آب را پس قطع شرب میکند و
دور میبرد ظرف آب را در حالتیکه مایل است باو و حمد میکند خدای
عز وجل را باز شروع میکند بآشامیدن و قطع نمودن شرب و دور بردن
ظرف در حالتیکه مایل است باو و حمد میکند خدای عز وجل را باز
شروع می کند بآشامیدن خداوند واجب می کند بهشت را از برای او
فی الوسائل - عن ابیعبد الله ع قال **اذا شرب احدکن الماء فقال**
بسم الله ثم قطعه فقال الحمد لله ثم شرب فقال بسم الله ثم قطعه فقال
الحمد لله ثم شرب فقال بسم الله ثم قطعه فقال الحمد لله سبح ذالك
الماء له مادام فی بطنه الی ان یخرج ترجمه صادق آل محمد ع
میفرماید موقع آشامیدن آب کسیکه بگوید بسم الله و بیاشامد پس قطع
کند شرب را و بگوید الحمد لله باز بگوید بسم الله و بیاشامد وقطع کند
شرب را و بگوید الحمد لله باز بگوید بسم الله و بیاشامد و قطع کند
شرب را و بگوید الحمد لله تسبیح میکند آب برای او مادام که در شکم
او است **فی البحار - و کان ص لا یتنفس فی الاناء اذا شرب فان اراد**
ان یتنفس ابعد الاناء عن فیه حتی یتنفس ترجمه نبی اکرم ص در
بین شرب تنفس نمی کرد در ظرف اگر اراده می کرد تنفس را دور می برد
ظرف را از دهن وتنفس مینمود ❀

بطور خلاصه تنفس عبارت است از اخذ اکسیژن هوا و دفع اسید کربونیك چون هوا داخل در ریه گشت از تمام معبرهای خود سیر نموده مقداری از اکسیژن آن از جدار عروق نفوذ نموده داخل خون میشود به معاونت خون در تمام اجزاء بدن گردش مینماید معده را تقویت و ترشحات او را معتدل میسازد تجدید تنفس و وارد نمودن اکسیژن در بین شرب بهترین عمل ووسیله ایست برای تقویت معده سبب سرعت هضم میگردد آب را جزء خون میکند پس فرمایش معصوم؛ ازاینکه آشامیده شود آب بسه نفس یادونفس مطابق است با حفظ الصحه خاصه که انسان دراین حال تکلم کند چون نطق بحسب طبیعت فشاری به بدن میدهد خون را بجریان میاندازد این است که کشیدن نفس وتکلم نمودن کاملاآب را جزء خون و مزاج را سالم مینمایدودر تنفس ننمودن رسول اکرم ص درظرف و دور بردن او را از دهان وهکذا دستور حضرت صادق؛ قطع نمودن شرب و دور بردن ظرف مقصود ازدور بردن ظرف آب گمان میرود نظر به نرسیدن نفس است به سطح آب چون با بودن ظرف نزدیك دهن وکشیدن نفس وتکلم نمودن قطعاً گازسمی واسید کربونیك بسطح آب خواهد رسید و او را مسموم خواهد نمود این است که دستور میدهد بدور بردن ظرف پس حدیث شریف خبر میدهد از اسید کربونیك و منتهی درجه حفظ الصحه را بما تعلیم میدهد لولا این معنی دور بردن ظرف آب چیست وچه معنی را اشاره ایست در این صورت عملیکه خون را تصفیه بدن را سالم مزاج را معتدل و تشکر هم از منعم حقیقی نموده باشد البته استحقاق بهشت را پیدا خواهد کرد و مراد از تسبیح آب در شکم نه مثل تسبیح انسانی است و گفتن سبحان الله است مقصود زبان حال او است چون عمل به این کیفیت اسرع طریقی است

برای رسانیدن اورا بکمالات و اورا جزء بدن انسان نمودن بعبارت اخرے اگر خلعت شعور و ادراک بآنوجود پوشانیده شود همان کلمه سبحان الله از او ظاهر و بزبان خود تنزیه حق گوید انشاء الله در باب خودش در تسبیح نمودن انبیاء حضرت احدیت را مفصلا ذکر خواهیم نمود

اخبار ازسوپ

فی البحار – وابدء فی اول الطعام باخف الاغذیة التی یغتذی بها بدنك بقدر عادتك و بحسب طاقتك و نشاطك و زمانك ترجمه علی ابن موسی الرضاع فرمود ابتدا کن قبل از خوردن طعام به سبك ترین غذائیکه تربیت میدهد بدن تو را بقدر عادت و بحسب طاقت و میل و بحسب اختلاف زمان ❀ عبارت جزء خبرے است موسوم برسالت الذهبیه مراد ازسبکی غذا غذائیست که پس از ورود بمعده بفوریت جزء بدن شود البته چنین غذائی مربی بدن جهت تقویت مزاج بسیار نافع خواهد بود و امروزه غذاء لطیف و مقوے که در دنیا میان ملل راقیه قبل از طعام معمول و متداول است موسوم است به سوپ و بحسب فرمایش معصومع سوپ بواسطه اختلاف شهور و چهارفصل سنوی مختلف خواهد بود

صدر نشستن مضیف

فی البحار – قال الراوی انی فی منزلی یوماً فدخل علی الخادم فقال ان فی الباب رجلا یکنی بابی الحسن ع یسمی موسی ابن جعفر ع فقلت یا غلام ان کان الذی ؟ توهم فانت حرلوجه الله قال فبادرت الیه فاذا اتی به فقلت انزل یا سیدی فنزل و دخل المجلس فذهبت لارفعه فی صدر البیت فقال لی یا فضل صاحب المنزل احق بصدر البیت الا ان یکون فی القوم رجل من بنی هاشم قلت فانت اذا جعلت فداك ترجمه راوی میگوید نشسته بودم در منزل

خادم خبر داد که درب منزل شخصی است مکنی بابی‌الحسن مسمی بموسی ابن جعفر ؏ بخادم گفتم اگر کسی که آمده است شخصی است که تومیگوئی آزادی در راه خدا باعجله حرکت کردم دیدم او است که خادم گفته عرض کردم بفرمائید ای آقای من پس داخل شد و نشست در مجلس خواستم او را بصدر جای دهم فرمود صاحب منزل اولی است بصدر مگر اینکه بوده باشد هاشمی در مجلس عرض کردم فدای تو شوم شما میباشید هاشمی ✿ از آداب و قوانین بعضی از ممالك امروزه این است که صاحب منزل موقع مهمانی صدر مجلس مینشیند و از یمین و یسار سایر مهمانها هر کدام در مکانی نشسته و باین حالت صورت مجلس را تشکیل میدهند حال نقطهٔ نظر آنها از صدر نشستن مضیف چیست و از روی چه حکمت معمول آنها است معلوم نیست لیکن آنچه را که از خبر شریف بنظر میرسد ازاینکه فرمود صاحب منزل اولی است بصدر احترامات مضیف وتشویق مهمانی است که رکن اعظم تالیف بشر باواست چون هر کس نسبت بعمل نیك و برجستهٔ خود قابل توجه و مورد تقدیس خواهد شد شارع مقدس نظر بزحمات ومخارجات فوق العادهٔ مضیف او را منزز شمرده نظر باطعام و احترامات اواز عدهٔ او را محترم دیده اینست که صدر مجلس را باو تفویض نمود

کیفیت مهمانی درمدینه

فی البحار - قال الراوی حججت ومعی جماعة من اصحابی فاتیت المدینة فقصدنا مکاناً ننزله فاستقبلنا غلام لابی الحسن موسی ابن جعفر ؏ علی حمار له اخضر یتبعه الطعام فنزلنا بین النخل و جاء هو فنزل واتی بالطشت و المأ فبدء وغسل یدیه وادیر الطشت عن یمینه حتی بلغ اخرنا ثم اعید من یساره حتی اتی علی اخرنا ثم قدم الطعام فبدء بالملح ثم قال کلوا بسم‌الله الرحمن الرحیم

ثم ثنی بالخل ثم اتی بکتف مشوی فقال کلوا بسم الله الرحمن الرحیم فان هذا طعام کان یعجب النبی ص ثم اتی بالخل والزیت فقال کلوا بسم الله الرحمن الرحیم فان هذا طعام کان یعجب فاطمه ع ثم اتی بالسکباج فقال کلوا بسم الله الرحمن الرحیم فان هذا طعام کان یعجب امیر المؤمنین ع ثم اتی بلحم مقلو فیه باذنجان فقال کلوا بسم الله الرحمن الرحیم فان هذا طعام کان یعجب الحسن بن علی ع ثم اتی بلبن حامض قدثرد فیه فقال کلوا بسم الله الرحمن الرحیم فان هذا طعام کان یعجب الحسین بن علی ع ثم اتی باضلاع باردة فقال کلوا بسم الله الرحمن الرحیم فان هذا طعام کان یعجب علی ابن الحسین ع ثم اتی بجبن مبرز فقال کلوا بسم الله الرحمن الرحیم فان هذا طعام کان یعجب محمد بن علی ع ثم اتی بتور فیه بیض کالعجة فقال کلوا بسم الله الرحمن الرحیم فان هذا طعام کان یعجب ابی جعفر علیه السلام ثم اتی بحلواء فقال کلوا بسم الله الرحمن الرحیم فان هذا طعام کان یعجبنی

ترجمه راوی میگوید در سفر مکه باتفاق جماعتی از همراهان وارد مدینه شدیم در جستجوی منزل بودیم در این بین استقبال کرد ما را خادم موسی ابن جعفر ع سوار الاغی بود سبز چهره همراه او بود چیزهای خوراکی پس باتفاق وارد شدیم در نخلستانی بعد تشریف آوردند موسی ابن جعفر ع حاضر کرد طشت و آبی را پس ابتداء کرد بشستن دست خود بعد شروع شد بشستن دستها از طرف راست تا آخر بعد شروع شد ازطرف چپ تا آخر پس ابتدا کرد بنمك فرمود بخورید بنام خدا ثانیاً خوردند سرکه را بعد آورد کتف بریان شده را فرمود بخورید بنام خدا طعامی است که مایل بود باو رسول خدا ص بعد آورد سرکه وزیت را فرمود بخورید بنام خدا طعامی است که مایل بود باو فاطمه ع بعد آورد آب گوشتی را که پخته بودند اورا از گوشت وسرکه فرمود بخورید بنام خدا طعامی است که مایل بود باو امیرالمؤمنین ع بعد آورد گوشت وبادمجان را که پخته بودند آنها را با هم فرمود بخورید بنام خدا طعامی است که

مایل بود باو حسن بن علی ع بعد اورد آب دوغ ترید کرده فرمود بخورید
بنام خدا طعامی است که مایل بود باو حسین ابن علی ع بعد آورد دندهاے
بسیار خوش مزهٔ فرمود بخورید بنام خدا طعامی است که مایل بود باو علی
ابن الحسین ع بعد آورد پنیر بسیار تمیز و پاکیزهٔ فرمود بخورید بنام خدا
طعامی است که مایل بود باو محمد ابن علی ع بعد آورد ظرف کوچك خزفی
که در او بود تخم مرغ که شبیه بود بخاگینه فرمود بخورید بنام خداطعامی
است که مایل بود باو پدرم جعفر ابن محمد ع بعد آورد حلوا را فرمود
بخورید بنام خدا طعامی است که مایل هستم من باو ✿ خبر شریف قابل توجه
است چقدر شباهت دارد به مهمانیهای بعضی ازممالك امروزه کسیکه اطلاع از
مهمانیهای اروپا وامریکا داشته باشد تطبیق خبر شریفرا خواهد فهمیدانچه زا کون
وقانون آنها است صدر نشستن مضیف است در مجلس ونشستن مهمانهااست بطرف
راست و بطرف چپ و گذاردن راهی است برای پیشخدمت آنچه را که ازخبر
شریف مستفاد میشود بملاحظه یمین و یسار کیفیت تشکیل مجالس بعینه همانطور
ها بوده و الا یمین و یسار و انتها داشتن آن بی‌معنی است دیگر وارد کردن
خوراك است متدرجاً که فعلا در بسیارے از ممالك معمول و مرسوم شده و
در خبر هم وارد کردن حضرت خوراکرا تا نه رقم صراحت دارد و الا در
صورت بودن جمیع خوراك در سفره این عبارت که ثم اتی باشد بی تناسب و
خارج از فصاحت خواهد بود دیگر نخوردن در ظروف مسی است بملاحظه
مواد کثیفه ایکه درذات مس کشف کرده اند وتبدیل دادن ظروف رابظرف
چینی و لعابی و خزف ولفظ تورهم که در خبر است یکی از معانی آن که
در لغت ضبط کرده اند ظرفی است از خزف دیگر دسری است که بعد از
غذا صرف میکنند که عبارت است از مقداری شیرینی و فعلا هم دربسیارے
از جاها معمول و مرسوم شده است و برای تحلیل غذا و حفظ الصحه باو

اهمیت میدهند این است که حضرت خوراك را خاتمه داد بحلوا و شیرینی میتوان گفت این مهمانی باین کیفیت اولین مجلسی است که در دنیا تشکیل و به بشر تعلیم داده شد و احتیاج انسان باختلاف خوراك جهت تربیت بدن موقعش انشاء الله ذکر خواهیم نمود

انسانیت واخبار ازمکروب

فی الوسائل- قال رسوالله ص لایمسح احدکم بثوب من لم یکسه ترجمه رسول اکرم ص میفرماید مسح نکنید لباس کسی را که نه پوشیده است **فی الوسائل- قال النبی ص الا لاتحقرن شیأ و ان صغر فی اعینکم فانه لاصغیر بصغیر مع الاصرار ولاکبیر بکبیر مع الاستغفار الا وان الله سئلکم عن اعمالکم حتی ان مس احدکم ثوب اخیه بین اصبعیه** ترجمه نبی اکرم ص میفرماید حقیر نشمارید البته چیزیرا اگرچه کوچك باشد در چشمهای شما نمی باشد صغیر کوچك با اصرار نمی باشد کبیر بزرك بااستغفار آگاه باشید خدا سئوال میکند ازعمل هاے شما حتی از مس نمودن لباس برادرت را بین دوانگشتان ✿ نزد عقلا و دانشمندان حبر شریف قابل توجه و مورد دقت است اصول حفظ الصحه را متضمن اساس تمدن را حاوی انسانیت را سر مشقی است چون بعضی اشخاص در نتیجه بی مولاتی و عدم اهتمام بنظافت و بی قیدے آنها به شست وشو لباس و بدن و دست آنها پر از کثافت و مواد مکروبی بوده وبحسب عادت درحین ملاقات دوست ورفیق نظر یا باظهار محبت یا بدیدن پارچه بادستهای کثیف و آلوده بچرك و عرق لباس آنها راگرفته شروع به مس نمودن لباس و مالش آن میشوند این عادت قبیحه بسیارے ازمردم راکه نظافت وپاکیزگی را شعار خود نموده و در حفظ الصحه میکوشند متنفر ومنزجر مینماید زبان باعتراض و طرف را مورد طعن وحملات خودقرارمیدهند پس لازم وواجب است

که ترك این عادت نموده باعث انزجار طباع نشوند ازاین جهت است که
شارع مقدس مس لباس را نهی وخبرداد که مورد مسئولیت خدا خواهد بود
نظر باطلاق خبر وعام بودن آن واحتمال نکات دیگر بهتراین است که بکلی
بدون استثناء احدے ترك این عمل زشت شده انسانیت را پیشه خود به نمایند

درخیابان راه رفتن وحرکت از طرف راست قانون اسلام است

فی البحار- وکان ص یحب التیامن فی کل اموره فی لبسه وتنعله وترجله
ترجمه نبی اکرم ص دوست داشت طرف راست را در جمیع امور حتی در
پوشیدن لباس و نعلین و پیاده شدن از مرکب ✿ رسول اکرم ص درعصر
و زمانیکه احصائیه نفوس بشر ملیونها کمتر از نفوس عصر حاضره بوده
و ابداً مرکبهای سریع السیر بعرصه ظهور و بروز نرسیده بود این قانون
را وضع و بشر را تعلیم داد پس امروز با این کثرت نفوس و این مرکب
هاے سریع السیر عمل باین قانون و سیر و حرکت از طرف راست براے
حفظ نفوس از مهالك و مخاطر ضرور و از اهم امور است موافق سیاست و
تمدن بوده عدل و رأفت را نمایش میدهد تنظیم اجتماعیه بشر وعدم مزاحمت
بهم دیگر که مقدمه آسایش و رفاهیت است منوط باو است این است که
اسلام اورا قانون وعمل را سرمشق جامعه قرار داد **تبصره** نظر به عام بودن لفظ
امور و مخصوص نمودن امور غیر مهمه را بذکر لهذا خبر شریف دلالت بر
حرکت نمودن حضرت را از طرف راست می نماید و این عنوان را شامل
خواهد بود

محبوبیت جاده مستقیم در اسلام

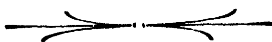
فی البحار – قال امیر المؤمنین ع علیکم بالبکروان بارت والجادة و ان دارت و بالمدینة و ان جارت ترجمه علی علیه السلام میفرماید برشما باد بزن باکره اگرچه باشد کساد بر شما باد به عبور از جاده اگر چه باشد غیر مستقیم بر شما باد بسکنی در شهر اگرچه باشد در او جور **تبصره** چون مقصود اهمیت دادن این سه موضوع است و لو در موارد مرجوحه پس رجحان و محبوبیت در غیر موارد مذکوره بطریق اولی مسلم است

تسمیه فرزندان

فی الوسائل – قال رسول الله ص استحسنو اسمائکم فانکم تدعون بها یوم القیمة قم یافلان ابن فلان الی نورك وقم یا فلان ابن فلان لانور لك ترجمه رسول اکرم ص میفرماید نیکو بگذارید اسمهای خودتان راخوانده میشوید روز حشر بان اسمها گفته میشود برخیز ای فلان پسر فلان ملحق شو بنور خودت برخیز ای فلان پسر فلان نیست روشنائی برای تو

فی الوسائل – ان رسول الله ص کان یغیر الاسماء القبیحة فی الرجال والبلدان ترجمه رسول اکرم ص تغییرمیداد اسم هاے بدرا در مردها و درشهر ها

فی الوسائل – عن ابی الحسن ع قال اول ما یبر الرجل ولده ان یسمیه باسم حسن فلیحسن احدکم اسم ولده ترجمه معصوم ع میفرماید اول نیکی پدر نسبت بفرزند این است که مسمی کنند او را باسم نیك پس اسم نیك بگذارید جهت فرزندان



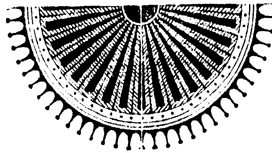
انفعیت شیر مادر جهة طفل

فی الوسائل – قال رسول الله ص لیس لصبی خیر من لبن امه ترجمه رسول اکرم ص میفرماید نیست برای طفل چیزی بهتر از شیرمادرش

فی الوسائل– قال رسول الله ص جعل الله رزقه فی ثدیی امه فی احدهما شرابه و فی الاخر طعامه ترجمه رسول اکرم ص میفرماید قرار داد خداوند رزق طفل را در دو پستان مادر یکی از آنها آب اوست دیگری طعام

فی الوسائل – قال امیرالمؤمنین ع ما من لبن رضع به الصبی اعظم برکة علیه من لبن امه ترجمه علی ع میفرماید نیست شیری برای طفل عظیم تر از جهت برکت از شیر مادرش **فی الوسائل – کان علی ع یقول انهوا نسائکم ان یرضعن یمیناً وشمالا فانهن ینسین** ترجمه علی ع میفرماید اعلام کنید زن ها را شیر بدهند از پستان راست و چپ چون فراموش میکنند

فی الوسائل – قالت ام اسحق نظر الی ابوعبد الله ع وانا ارضع احدابنی محمد و اسحق فقال یا ام اسحق لاترضعیه من ثدی واحد و ارضعیه من کلیهما یکون احدهما طعاماً والاخر شراباً ترجمه مادراسحق میگوید نظر کرد بمن جعفر ابن محمد الصادق ع درحالتیکه شیر میدادم فرزند مرا فرمود شیر بده فرزندت را از دو پستان یکی از آنها طعام است دیگری آب



اسلام به خوش صورتی اطفال و اخلاق او اهتمام داده

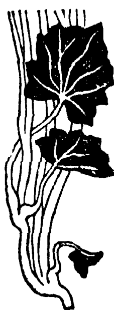
فی الوسائل– قال رسول الله ص لا تسترضعوا الحمقاء ولا العمشاء فان اللبن یعدی ترجمه رسول اکرم ص میفرماید استرضاع نکنید زن کم عقل را و نه زنیکه ضعیف است چشمش و سیلان میکند غالباً آب از چشم اوچون شیر تعدی میکند در طفل **فی الوسائل – قال رسول الله ص لا تسترضعوا الحمقاء فان اللبن یشب علیه** ترجمه رسول اکرم ص میفرماید استرضاع نکنید زنهای کم عقل را شیر نمو میکند در طفل **فی الوسائل – ان علیاً ع کان یقول تخیروا للرضاع کما تخیروا للنکاح فان الرضاع یغیر الطباع** ترجمه علی ع میفرماید اختیار کنید برای رضاع از زنهاے خوش اخلاق و خوش صورت همانطوریکه اختیار میکنید زنهاے جمیله و خوش اخلاق را برای نکاح چون شیر تغییر میدهد طبیعت طفل را **فی الوسائل – قال ابوجعفر ع استرضع لولدك بلبن الحسان و ایاك و القباح فان اللبن قد یعدی** ترجمه محمد بن علی الباقر ع میفرماید استرضاع کن براے ولدت به شیر زنهای خوش صورت به پرهیز از زنهاے قبیح المنظره چون شیر تعدی میکند در طفل **فی الوسائل - عن ابی جعفر ع قال علیکم بالوضاء من الظئورة فان اللبن یعدی** ترجمه حضرت باقر ع میفرماید بر شما است باسترضاع زنهای پاکیزه چون شیر تعدی میکند در طبیعت طفل **فی الوسائل— عن ابی جعفر ع قال لا تسترضعوا الحمقاء فان اللبن یعدی وان الغلام ینزع الی اللبن یعنی الی الظئر فی الرعونة والحمق** ترجمه معصوم ع میفرماید استرضاع نکنید زن کم عقل را شیر سرایت میکند درطفل وشبیه میشود بشیر ظهور میکند حمق دایه در طفل

سلوك با اطفال

فی الوسائل - قال النبی ص من کان عنده صبی فلیتصاب له ترجمه نبی اکرم ص میفرماید کسیکه دارای اولاد شد کودک بشود از برای او **فی الوسائل - قال رسول الله ص من قبل ولده کتب الله له حسنة** ترجمه رسول اکرم ص میفرماید کسیکه بوسه کند فرزندشرا مینویسد خدا از برای او حسنه **فی الوسائل -- کان رسول الله ص یقبل الحسن و الحسین فقال الاقرع ابن حارس ان لی عشرة من الولد ماقبلت احداً منهم فقال رسول الله ص من لایرحم لایرحم** ترجمه رسول اکرم ص بوسه میزد حسن و حسین را اقرع عرض کرد از برای من است ده اولاد تا کنون بوسه نکردم احدی از آنها را فرمود کسیکه بی رحم است مرحوم نمیشود **فی الوسائل - قال امیر المؤمنین ع من کان له ولد صبا** ترجمه علی ع میفرماید کسیکه دارای اولاد شد کودک بشود از برای او **فی الوسائل - عن ابیعبد الله ع قال ان الله لیرحم العبد لشدة حبه لولده** ترجمه صادق آل محمد ع میفرماید خدا رحم میکند بنده را بواسطه شدت محبتش بفرزند **فی البحار - عن ابیعبدالله ع قال قال موسی ابن عمران ع یارب ای الاعمال افضل عندك فقال حب الاطفال فان فطرتهم علی توحیدی فان امتهم ادخلهم جنتی** ترجمه صادق آل محمد ع میفرماید موسی ع عرض کرد ای پروردگار کدام از اعمال افضل است نزد تو فرمود دوست داشتن اطفال چون فطرت آنها بر توحید است اگر مردند داخل میکنم آنها را در بهشت **فی الوسائل - قال ع اکثروا من قبلة اولادکم فان لکم بکل قبلة درجة فی الجنة مسیرة خمس ماة عام** ترجمه معصوم ع میفرماید بسیار بوسه کنید اولاد های خودتان را از برای شما است بهر بوسهٔ در بهشت درجهٔ مقدار سیر پانصد سال **فی الوسائل - عن ابیعبد الله ع قال**

جاء رجل الی النبی‌ص فقال ما قبلت صبیا لی قط فلما ولی قال رسول‌الله هذا رجل عندی انه من اهل النار ترجمه جعفر ابن محمد الصادق ع میفرماید آمد شخصی خدمت رسول اکرم ص عرض کرد تاکنون بوسه نزدم طفل خودمرا پس از اعراض فرمود این شخص در نزد من از اهل آتش است ✿ محبت و دوستی نسبت باولاد طبیعت هر حیوانی است این علقه و محبت در قلوب جمیع حیوانات انعام سباع طیور موجود و راسخ است بحدیکه جانرا برای حفظ آنها سپر تیر بلا می کنند پس انسان که اشرف مخلوقات است و دارای قوه مدرکه و حسن وقبحرا ممیز است باید کاملا این صفت را دارا و ریشه این محبت در قلبش محکم تر بوده باشد کسیکه در قلبش این محبت راهی نیافت و نسبت باولاد اظهار نفرت نمود میتوان گفت یك همچه آدمی از درجه انسانیت بلکه از رتبه حیوانیت خارج و پست تر از حیوان است در محبت اولاد فوائد و نتائجی است که در این ورقه گنجایش ذکر آن نیست لیکن بعضی از آنها را بنحو اجمال تذکر میدهم یکی از وسائل سلامت و حفظ الصحه اطفال مسرور وخوشحال نمودن آنها است چون اعضاء طفل در کمال لطافت است عروق و خون اعصاب و قلب او قوی و محکم نشده مسرت دل‌وفرح قلبی آن اعضاء را قوی نموده کلیه قوای اعمالیه او را تقویت میدهد سریع النمو و قوی الجثه میشوند جریان خون در قلب و در کلیه اعضاء با حالت حزن و غم خطرناك آنها را مستعد برای قبول امراض می نماید محبت و دوستی از پدر و مادر بهترین وسیله ایست برای مسرور نمودن آنها بهترین کمکی است برای صحت و سلامت آنها این است که شارع مقدس امر نموده به بوسه و بازی کردن با آنها و اهتمام داد بدوستی ومحبت داشتن بانها . محبت باولاد سبب ازدیاد محبت‌است بین زن وشوهر علقه باولاد باعث

کثرت علقه است بین آنها آنچه نمایش محبت شود روابط دوستی بین آنها محکم تر گردد مخصوصاً محبت پدر کلیه زحمات مادر را از قبیل بیخوابی پرستاری ازالهٔ کثافات و امثال ذالك آسان و ملایم می نماید با کمال ارامی و مهربانی و شوق و محبت زحمات طفل را متحمل شده ابداً نفرت انزجار طبع باو دست نمیدهد این است که طفل را با مهربانی در آغوش و تربیت نموده و حفظ الصحه او را کاملا مواظبت مینماید نداشتن محبت و اظهار نفرت پدر کار هاے طفل را نزد مادر ثقیل و با زحمت نموده با حال خشونت و زبری و عبوس و قبض صورت کار طفلرا کرده در تربیت و حفظ الصحه او بی موالات و بی قید بوده بمرك او راضی میشود چه بسیار اطفال از دست این نوع پدر و مادر ها تلف وجان سالم بدرنبرده اند. محبت باولاد فرزند را نزد مردم محترم و معزز مینماید سایرین هم آنها را دوست داشته بانها مهربانی میکنند بعیش و شادے و مسرت زندگانی خواهند کرد پس این محبت باندازهٔ خود نتیجه تشکیل جامعه وتالیف قلوب را میدهد جنك وخصومترا برطرف و زایل مینماید

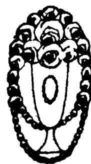


حفظ الصحه اطفال

فی البحار – اعرف یا مفضل ماللاطفال فی البکاء من المنفعة واعلم ان فی ادمغة الاطفال رطوبة ان بقیت فیها احدثت علیهم احداثاً جلیلة وعللا عظیمة من ذهاب البصر وغیره فالبکاء یسیل تلک الرطوبة من رؤسهم فیعقبهم ذالك الصحة فی ابدانهم و السلامة فی ابصارهم افلیس قد جاز ان یکون الطفل ینتفع بالبکاء ووالداه لایعرفان ذالك فهما دائبان لیسکتانه و یتوخیان فی الامور مرضاته لئلا یبکی وهما لا یعلمان ان البکاء اصلح له و اجمل عاقبة فهکذا یجوزان یکون فی کثیر من الأشیاء منافع لایعرفها القائلون بالاهمال و لوعرفوا ذالك لم یقضوا علی الشئی انه لا منفعة فیه من اجل انهم لایعرفونه ولایعلمون السبب فیه فان کل مالا یعرفه المنکرون یعلمهالعارفون وکثیراً مما یقصرعنه علم المخلوقین محیط به علم الخالق جل قدسه و علت کلمته فاما ما یسیل من افواه الاطفال من الریق ففیذالك خروج الرطوبة التی لو بقیت فی ابدانهم لاحدثت علیهم الامور العظیمة کمن تراه قد غلبت علیه الرطوبة فاخرجته الی حد البله والجنون والتخلیط الی غیر ذالك من الامراض المتلفة کالفالج و اللغوة وما اشبههما فجعل الله تلك الرطوبة تسیل من افواههم فی صغرهم لمالهم فی ذالك من الصحة فی کبرهم فتفضل علی خلقه بما جهلوه و نظر لهم بمالم یعرفوه ولوعرفوانعمه علیهم لشغلهم ذالك عن التمادی فی معصیته فسبحانه ما اجل نعمته واسبغها علی المستحقین و غیرهم من خلقه و تعالی عما یقول المبطلون علواً کبیراً

ترجمه جعفر بن محمد الصادق ع فرمود عارف شو ای مفضل منفعتی را که برای اطفال است درحال گریه بدان در سر اطفال رطوبتی است اگر باقی بماند درآن حادث میشود دراطفال بلای بزرك از کوری چشم وغیره گریه خارج

میکند آن رطوبت را از سرهای اطفال نتیجه میدهد صحت را در بدن سلامت را در چشم پس ممکن است گاهی طفل انتفاع به برد از گریه و ملتفت نباشند پدر و مادر و جدیت دارند باسکات او و متوسل میشوند جهت خوشنودی او و باموری و حال اینکه نمیدانند گریه اصلح است برای او و نیکو است عاقبت او و هم چنین ممکن است در بسیاری از اشیاء منافعی باشد که پی نبرده اند آنها بعضی ها اگر بدانند این مطلب را حکم نمیکردند بر چیزی که نیست در او منفعت ازجهة اینکه عارف نشدند بآن منفعت وعالم نشدند بآن سبب بجهت اینکه هر چیزیرا که عارف نشدند او را منکرین میدانند او را عارفین و بسیار چیزهائی است که عاجز است ازدرك آن علم مخلوقین محیط است باو علم خالق جل قدسه اما آب دهن که سیلان میکند از دهن های اطفال سبب خروج رطوبتی است که اگر بماند در بدنهای آنها حادث میشود امور بزرك مثل کسیکه غلبه میکند باو رطوبت و میکشاند اورا باحمقی و جنون وامراض متلفه مثل فلج ولقوه وشبه آنها پس خداوند خارج میکند این رطوبت را از دهنهای اطفال در کوچکی بجهت سلامتی آنها در حال بزرگی تفضل میکند بر خلقش به چیزهائیکه جاهلند او را نظر داردبه ایشان به چیزهائیکه معرفت ندارند او را اگر عارف شوند به نعمتهای الهی که عطا فرموده است بآنها هر آینه اصرار نمی کردند در معصیت اومقدس است خدا چقدر عظیم است نعمت او و تکمیل نمود نعمت را بر مستحقین و غیره بالا تر است از آنچه میگویند باطل کنندگان

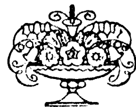


اطفالرا بدروغ و تقلب عادت ندهید

فی الوسائل — قال رسول الله ص احبوا الصبیان و ارحموا هم و اذا وعد تموهم شیئاً ففوالهم فانهم لایرون الا انکم ترزقونهم ترجمه رسول اکرم ص میفرماید دوست بدارید کودك ها را ورحم کنید بآنها وقتیکه وعده دادید بآنها وفاکنید بوعدهٔ خودتان چون نمی بینند رزق خودشانرا مگربدست شما

فی‌البحار — قال رسول الله ص اذا وعد احدکم صبیة فلینجز ترجمه رسول اکرم ص میفرماید وقتیکه وعدهٔ دادید به دختر پس بفعلیت برسانید او را

فی الوسائل — قال لی ابوالحسن ع اذا وعدتم الصبیان ففوالهم فانهم یرون انکم الذین ترزقونهم ان الله عزوجل لیس یغضب لشئی کغضبه للنساء والصبیان ترجمه راوی میگوید معصوم ع فرمود وقتیکه وعده میدهید بکودکها وفا کنید بآنها چون می بینند شما را رازق خودشان خدای عزوجل غضب نمیکنند از برای چیزی مثل غضب نمودن بجهت خاطر زنها و کودکها ✿ وعده دادن به اطفال ومخالفت نمودن سبب اذیت وتعلیم عملی‌است بگفتن دروغ راه دروغ و تقلب را یاد گرفته باو عادت میکنند مآل آنها برو سیاهی و شقاوت کشیده این است که معصوم ع خلف وعده را نهی فرمود **تنبیه** ازخبرسوم منتهی‌درجه تکریم نسوان و در توهین سخت ترین تهدید مستفاد میشود



اسلام به تربیت اولاد اهمیت داده

فی الوسائل– قال النبی ص اکرموا اولادکم واحسنوا ادابهم یغفر لکم ترجمه نبی اکرم ص میفرماید اکرام کنید اولاد خودتانرا وآداب نیك بیاموزید بآنها خداوند میامرزد شما را **فی الوسائل – قال رسول الله ص علموا اولادکم السباحة و الرماية** ترجمه رسول اکرم ص میفرماید تعلیم بدهیداولاد های خودتانرا شنای در آب و تیر اندازیرا **فی الوسائل – جاء رجل الی النبی ص فقال یارسول الله ما حق ابنی هذا قال تحسن اسمه و ادبه وضعه موضعاً حسناً** ترجمه آمد شخصی خدمت رسول خداص عرض کرد چه چیز است حق پسرم فرمودنیکو بگذاراسم اورا ادب کن اورا بگذاراورا موضع نیك **فی الوسائل – قال رسول الله ص یلزم الوالدین من العقوق لولدهما ما یلزم الولد لهما من عقوقهما** ترجمه رسول اکرم ص میفرماید عاق میشوند پدرو مادر از اولاد همانطوریکه عاق میشوند اولاد از پدر و مادر **فی الوسائل – قال ع من حق الولد علی والده ثلثة یحسن اسمه ویعلمه الکتابة ویزوجه اذا بلغ** ترجمه معصوم ع میفرماید حق اولاد بر پدر سه چیز است اسم نیك تعلیم نوشتن تزویج وقتیکه بالغ شد

اطفال را باید زینت کرد

فی الوسائل – قال سئلت ابا عبد الله ع عن الذهب یحلی به الصبیان فقال کان علی یحلی ولده و نسائه بالذهب و الفضة ترجمه راوی میگوید سؤال کردم از معصوم ع از زینت کردن اطفال را بطلا فرمود علی ع زینت میکرد

فرزند و زنهایش را به طلا و نقره **فی الوسائل - قال سئلت ابا عبدالله ع عن الذهب و الفضة یحلی به الصبیان فقال انه کان ابی لیحلی ولده ونسائه الذهب والفضة فلا بأس** ترجمه راوی میگوید سؤال کردم از معصوم ع اطفال به طلا و نقره زینت کرده بشوند فرمود عیب ندارد پدرم محمد ابن علی زینت میکرد فرزند وزنهایش را به طلاونقره **فی الوسائل- قال سئلت اباالحسن الرضا ع عن التهنیة بالولد متی هی قال انه لما ولدالحسن ابن علی هبط جبرئیل علی رسول الله فی الیوم السابع و امره ان یسمیه و یکنیه و یحلق راسه و یعقه عنه و یثقب اذنه و کذالك حین ولد الحسین ع اتاه فی یوم السابع فامره بمثل ذالك قال وکان لهما ذوابتان فی القرن الایسر وکان الثقب فی الاذن الیمنی فی شحمة الاذن وفی الیسری فی اعلی الاذن فالقرط فی الیمنی فالشنف فی الیسری** ترجمه راوے میگوید سئوال کردم ازحضرت رضا ع از تهنیة به اولاد چه وقت است زمان او فرمود زمانیکه متولد شد حسن ابن علی ع نازل شد جبرئیل به رسول خدا ص در روز هفتم تولد امر کرد حضرت را باسم گذارے او و بکنیه و تراش سر و عقیقة و سوراخ کردن گوش هم چنین زمانیکه متولد شد حسین ع نازل شد جبرئیل و امر کرد او را بمثل حسن ع بعد فرمود از براے حسن وحسین ع بود در ناصیه سرشقه از موکه کشیده بود او را بطرف چپ و سوراخ بود نرمی گوش راست و سوراخ بود گوش چپ از طرف بالا واویخته بود بآنها گوشواره ✿ مخفی وپوشیده نماناد که تزیین اطفال نه منحصر است بطلا و نقره لباسهای نو و فاخررا هم شامل است فوائد ومحسنات زینت اطفال بنحو اختصارتذ کر داده میشود. اظهارنعمت الهی . خوشحالی آنها از پدر و مادر . فرح و خوشحالی دل آنها . صحت مزاج و سلامتی بدن . عادت نمودن به تزیین خود در حال بزرگی . محبوب شدن آنها در قلوب .

جلب طبیعت به صحبت نمودن با آنها ، عالم شدن آنها درصحبت و مکالمه قوی شدن استعداد از نمودن صحبت ، مقدس و محبوب شدن قوانین اسلامیه نزد آنها ، حسن عاقبت ، دخول درجنت ،

دورهٔ تکمیل بیست و یك است

فی‌الوسائل - قال النبی ص الولد سید سبع سنین و عبد سبع سنین ووزیر سبع سنین فان رضیت خلائقه لاحدی و عشرین سنة والاضرب علی جنبیه فقداعذرت الی الله ترجمه رسول اکرم ص میفرماید طفل آقا است تا هفت سال بنده است تا هفت سال وزیر است تا هفت سال پس اگر پسند شد طبیعت او تا بیست ویکسال فبها و الا زده شود به دوجنب او دیگر تومعذور هستی نزد خدا **فی‌الوسائل — قال امیرالمؤمنین ع یرف الصبی سبعاً و یؤدب سبعاً ویستخدم سبعاً الحدیث** ترجمه علی ع میفرماید ملاطفت و در آغوش کشیده شود طفل تا هفت سال مؤدب شود هفت سال استخدام شود هفت سال **فی‌الوسائل -- عن ابیعبد الله ع قال الغلام یلعب سبع سنین و یتعلم الکتاب سبع سنین و یتعلم الحلال و الحرام سبع سنین** ترجمه صادق آل محمد ع میفرماید صبی بازیکند تا هفت سال یاد بگیرد خواندن کتاب را هفت سال یاد بگیرد حلال و حرام را هفت سال **فی الوسائل - قال الصادق ع دع ابنك یلعب سبع سنین و یؤدب سبع سنین والزمه نفسك سبع سنین فان افلح و الا فلا خیر فیه** ترجمه حضرت صادق ع میفرماید وا گذار کن پسرت را بازی کند هفت سال ادب کرده شود هفت سال همیشه ملازم باش او را به تعلیم تا هفت سال پس اگر رستگار شد فبها و الا نیست خیری دراو٭ چون طفل در زمان نمو و رشد است حال سکونت برای آنها بسیار مضر آنها را علیل و مریض مینماید صحت و سلامت آنها موقوف است بحرکت بقیام قعود دویدن بازی فریاد

حرکات طفل بهترین وسیله ایست برای استحکام مزاج و صحت مندی آنها بهترین کمکی است برای سرعت نمو ومحکم نمودن استخوان و گوشت بدن اگر بدن قوی نشود قوای دماغی تقویت نکردد روح طبعاً کم ظرف و کم استعداد گردد در زمان تحصیل از عهدهٔ انجام وظایف خود بصعوبت بر می‌آید اطفال را بگذارید درمقابل حرکات طبیعیه کسب استقامت نمایند بهر قسم شده است اهتمام نمائید سخت جان و پر طاقت تربیت بشوند ورزش و بازی و تفریح از قسمت های مستحسن دورهٔ تحصیلات هرطفلی است البته اطفال را تا هفت سال به بازی های بچه گانه که معمول کلیه ممالك دنیا است مشغول نموده همین که پا به هشت سال گذاشت فوراً راه مدرسه را باو نشان داده و در تعلیم آن مواظب باشید بعلاوه چون بحسب طبیعت در این زمان معشوق و محبوب طفل حرکاتی است لهو و لعب این محبت او را کاملا علاقه مند به بازی نموده عشق مفرطی در ذات و کمون او میباشد جدا نمودن اطفال را از آن معشوق فوق‌العاده بآنها صدمه می‌زند کسانیکه اطفالرا ازسن‌دوسالگی بدست لله ومربی‌میدهند و اطفال را درتحت فشارآنها قرارداده ومانع میشوند از بروزعوالم آنها و نمیگذارندآنها را که به معشوق ومحبوب خود برسند خطا وظلمی است بآنها برای مربیان اطفال چیزیکه لازم است فقط محافظت نمودن آنها است از مهالك و مخاطرو ممانعت نمودن است ازحرفهای لغو وکارهای قبیح ممانعت و جلوگیری از عوالم طفل قطعاً در حال بزرگی آن مقصود بصورتی دیگر جلوه خواهد کرد چون تسکین قلب او نشده و آن مطلوب در ذات او باقی مانده ممکن است در حال بزرگی او را بلباس فسق و فجور نمایش دهد و از طریق مستقیم منحرف گردد از این جهات است که شارع مقدس اطفال را در هفت

سال اول آزاد و امر نمود که ببازی مشغول بشوند نکته دیگر که ازاین اخبار مستفاد میشود عقیده سیاسیون ودانشمندان دنیا در باره ترقیات هرمملکتی بدانش و علم اهالی آن مملکت است میزان ترقی و تنزل هر ملت را به قوت و ضعف علم دانسته اند و رسیدن رتبه بلند را جز بوسیلهٔ نردبان معارف ندانند ومتفقند وقتی مملکت از نکبت جهل رستکار میشود که ذائقه اش شیرینی علم را بچشد پس هر ملتی که در بزمگه جهان دعوی حیات دارد باید در معارف باکمال سرعت سیر و نهایت تندی رو به نقطهٔ ترقی حرکت کند و با اهتمامی سریع خود را بکاروان سعادت برساند این است که حضرت ختمی مرتبت ص و هکذا حضرات ائمه معصومین ع دوره تکمیل و ترقیات بشر را در ظرف بیست و یك سال قرار داد و مردم را در اینمدت زمان بدانش و معارف امر و دعوت فرمود پس بحکم قانون بر هر کس لازم و واجب است که تا این مدت خود را از جهل که مادة المواد همهٔ مخاطرات و بدبختی ها است برهاند وازحضیض نادانی وجهل باوج معرفت و علم کشانیده با اسرع طریق خود را به سعادت ابدیه برساند

اخبار از اسید کربونیك

فی الوسائل — عن ابی عبدالله ع قال القهقهة من الشیطان ترجمه معصوم ع میفرماید خندیدن با صوت از شیطان است **فی الوسائل — عن ابی عبدالله ع قال ضحك المؤمن تبسم** ترجمه معصوم فرمود خنده مؤمن تبسم است ✿ علاوه بر اینکه خنده با صدا خارج است از انسانیت و ادب موهون است صاحب او ممکن است ازجهة نسبت دادن او را بشیطان نکته دیگری هم در نظر داشته چون لازمه قهقهه خارج شدن نفس است با سرعت ممکن است

بواسطه خروج این نحو بخار که موسوم است باسید کربونیك فضا را پر کرده به ملاحظه سمیتی که در اوست تنفس او مضر و تولید بعضی امراض بنماید ز اینجهة است که اکیداً غدغن از او شده بخلاف تبسم که خنده ایست ملایم فقط سبب ظاهر شدن دندانها است موافق است با ادب ممدوح است صاحب او .

معالجه ضعف بدن

فی الوسائل – قال رسول الله ص شکی نبی قبلی الی الله الضعف فی بدنه فاوحی الله الیه ان اطبخ اللحم واللبن فانی جعلت القوة والبرکة فیها ترجمه رسول اکرم ص میفرماید شکایت کرد پیغمبرے بخدا از ضعف بدن وحی کرد باو که طبخ کن گوشت را باشیر قراردادم قوت وبرکت رادر آن

فی الوسائل – قال رسول الله ص علیکم باللحم فان اللحم ینمی اللحم و من مضی به اربعون صباحاً لم یاکل اللحم ساء خلقه و من ساء خلقه فاطعموه اللحم الحدیث ترجمه رسول اکرم ص میفرماید بخورید گوشت را گوشت نمو می دهد گوشت بدن را کسی که بگذرد براو چهل روز و نخورد گوشت را بدمیشود خلق او کسیکه بدشد خلق او بخورانید اورا گوشت

فی الوسائل – قال امیر المؤمنین ع اذا ضعف المسلم فلیاکل اللحم باللبن ترجمه علی علیه السلام میفرماید اگر ضعیف وکم بنیه شد مسلم بخورد گوشت را باشیر

فی الوسائل - عن علی علیه السلام قال ان نبیاً من الانبیاء شکی الی الله الضعف فی امته فامرهم ان یاکل اللحم باللبن فاستبانت القوة فی انفسهم ترجمه علی علیه السلام می فرماید شکایت کرد پیغمبری بخدا از ضعف امت امر کرد خدا که بخورند گوشت را باشیر پس ظاهر شد قوت در نفوسشان

فی الوسائل – عن ابی عبد الله ٤ قال اللحم باللبن مرق الانبیاء معصوم٤ می فرماید گوشت با شیر آب گوشت انبیاء است **فی الوسائل – عن ابی عبد الله ٤ قال اللحم ینبت اللحم و من ترکه ایاماً فسد عقله** ترجمه جعفر ابن محمد الصادق ٤ می فرماید گوشت می رویاند گوشت بدن را کسی که ترك کند چند روزے خوردن گوشت را فاسد می شود عقل او

ترحم بامحل

فی البحار- من کلام الصادق ٤ قال انی لا رحم ثلثة و حق لهم ان یرحموا عزیز اصابته مذلة بعد العز و غنی اصابته حاجة بعدالغنی و عالم یستخف به اهله و الجهلة ترجمه حضرت صادق ٤ می فرماید ترحم می کنم سه طائفه را و سزاوار است که ترحم کرده شوند. عزیزیکه ذلیل شده است بعد از عزت. مالداری که فقیر شدهاست بعد ازغنی. دانشمندیکه استخفاف میکنند اورا اهلش ونادانها

انصاف ومردانگی

فی البحار من کلام الصادق ٤ المروة مروتان مروة الحضر و مروة السفر فاما مروة الحضر فتلاوة القرآن و حضور المساجد وصحبة اهل الخیر و النظر فی التفقه و اما مروة السفر فبذل الزاد و المزاح فی غیر ما یسخط الله و قلة الخلاف علی من صحبك و ترك الراویة علیهم اذا انت فارقتهم ترجمه حضرت صادق ٤ میفرماید مروت دو قسم است مروت حضر و مروت سفر مروت حضر. تلاوت قرآن. حضور در مساجد، صحبت نیکان، نظر تفقهی - مروت سفر. بذل زاد، مزاح که نباشد دراوغضب خدا، مخالفت نه نمودن با رفیق حتی المقدور، ترك مذمت آن ها وقت مفارقت

تانس

فی البحار من کلام الصادق٤ الانس فی ثلثة فی الزوجة الموافقة و الولد البار و الصدیق المصافی ترجمه معصوم ٤ می فرماید تانس در سه طائفه است . در زن موافق با طبع . دراولاد نیک . در رفیق خالص بی غش

قوه الکتریسه در حال نطق یاقوه دفاعیه ازبرق

فی الوسائل عن ابی عبدالله قال یموت المؤمن بکل میتة الا الصاعقة لاتأخذه و هو یذکر الله عز وجل ترجمه صادق آل محمد ٤ می فرماید می میرد مؤمن بهرمردنی مگر ازصاعقه نمی گیرد ورا درحالیکه مشغول باشد بذکرخدا **فی الوسائل — قال سئلت ابا عبدالله٤ عن میتة المؤمن قال یموت المؤمن بکل میتة یموت غرقاً و یموت بالهدم و یبتلی بالسبع و یموت بالصاعقة و لا تصیب ذاکرا لله عز وجل** ترجمه راوی می گوید سؤال کردم از جعفر ابن محمد الصادق ٤ از مردن مؤمن فرمود میمیرد مؤمن بهر سببی میمیرد بسبب غرق میمیرد بسبب خراب شدن چیزی روی او مبتلی می شود بدرنده می میرد به صاعقه لیکن نمی رسد صاعقه او را در حال مشغول بودن او بذکر خدا **فی الوسائل — قال الصادق ٤ ان الصاعقة لا تصیب ذاکرا لله عز وجل** ترجمه معصوم٤ میفرماید صاعقه نمی‌رسد بکسی که مشغول باشد بذکر خدا **فی الوسائل — قال ابو عبدالله٤ ان الصاعقة تصیب المؤمن و الکافر و لا تصیب ذاکرا** ترجمه صادق آل محمد ٤

میفرماید صاعقه میرسد مؤمن و کافر را و نمی رسد ذکر گـورا ✿ به نحو کـلی هر تغییر بزرگی کـه در طبیعت مادهٔ بظهور برسد باعث احداث الکتریسه میـگردد و او را قوه آن نامند مثل نطق و تکلم نسبت به بدن مثل آن قوه است فشار و تغییراتی در بدن میدهد خون را بجریان می‌اندازد اصطکاکاتی در بدن ایجاد میکند این است کـه در بدن تولید الـکتریسه میشود و بدن را نور افشانی میکند لذا بدن در حال نطق گـرم شده و عرق از او خارج میشود مطلب مهم این است اینکه معصوم ٤ فرمود صاعقه نمیرسد ذکر گـو را چه قوه ایست کـه جلو گـیر است از قوه برقیه کشف ایـن حقیقت را بایـد انتظار داشت ولی چون برای هر چیزی بحسب طبیعـت درجات و مـراتبی است ممکن این قوه را در بدن قوے و تکمیل نموده امور معظمـه از او بظهور و نور افشانی او در بدن دیده شود قلم اینجا رسید سر بشکست

اسلام امر بکوتاهی لباس فرموده

فی الوسائل – قال علی علیه السلام تشمیر الثیاب طهور لها قال الله تعالی و ثیابك فطهر ای فشمر ترجمه علی علیه السلام می فرماید کوتاه بودن لباس سبب پاکـیزه گی او است خداوند متعال فرمود به پیغمبر لباست را تطهیر کن یعنی کوتاه کـن **فی الوسائل – قال الروی کنت عند ابی جعفر ٤ اذ دخل ابو عبدالله ٤ فقال ابی جعفر یا بنی الا تطهر قمیصك فذهب فظننا ان ثوبه قد اصابه شیئی فرجع فقال انهن هکذا فقلنا جعلنا فداك ما لقمیصه قال کان قمیصه طویلا فامرته ان یقصره ان الله عز وجل یقول و ثیابك فطهر** ترجمه راوے میـگوید خدمت محمد ابن علی الباقر ٤ بودم وارد شد فرزندش جعفر ابن محمد ٤ باو فرمود ای فرزند ایا تطهیر نمی کنی

لباست را پس تشریف بردند کمان کردم کثافتی بلباس او رسیده بعد از مراجعت حضرت فرمود این است اندازه لباس عرض کردم فدای تو شوم چه شده بود لباس ایشان فرمود لباس او بلند بود امر کردم او را بکوتاه کردن لباس خداوند متعال به پیغمبرش فرمود کوتاه کن لباست را

فی الوسائل - عن ابی عبدالله ع فی قوله تعالی و ثیابك فطهر قال معناه ثیابك فقصر ترجمه جعفر ابن محمد الصادق در تفسیر آیه شریفه و ثیابك فطهر می فرماید این است معنی او کوتاه کن لباست را **فی الوسائل — قال ابو الحسن ع ان الله عزوجل قال لنبیه و ثیابك فطهر وكانت ثیابه طاهرة و انما امر بالتشمیر** ترجمه معصوم ع می فرماید خداوند متعال امر فرمود پیغمبرش را به تطهیر ثوب و حال این که لباسهاے حضرت پاك و پاکیزه بود مراد این است که مامور شد بکوتاه نمودن لباس **فی الوسائل — عن ابی الحسن ع قال ثلث من عرفهن لم یدعهن جزالشعر و تشمیر الثوب و نكاح الاماء** ترجمه معصوم ع می فرماید سه چیز است اگر کسی عارف شد بمحسنات او ابداً وا گذار نخواهد کرد آنها را ازاله مو از بدن و کوتاه گرفتن لباس و نکاح کنیز ✿ حضرت ختمی مرتبت وهکذا حضرات ائمه معصومین ع به پوشیدن لباس کوتاه مامور و او را به بشر تعلیم دادند فوائد کوتاهی لباس زرنگی و چالاکی است در کار و شغل باعث نشاط است در نفس سبب پاکیزه گی است از کثافات و گل و غبار زمین این است که در آیهٔ شریفه کوتاهی لباس را به تطهیر ثوب تعبیر و اشاره فرمود قانون گذار اسلام نه فقط نظافت و پاکیزه گی لباس را نظر داشته بلکه یك امر اقتصادے را نیز عقب آن ملحوظ نموده که امروزه او را مهم ترین وسیله زندکانی میدانند

اسلام بکثرت لباس امر فرموده

فی الوسائل – قال قلت لابی عبد الله ع یکون للمؤمن عشرة اقمصة قال نعم قلت عشرون قال نعم قلت ثلثون قال نعم لیس هذا من السرف انما السرف ان تجعل ثوب صونك ثوب بذلتك ترجمه راوے می گوید سؤال کردم ازجعفر ابن محمد الصادق ع مؤمن می‌تواند ده پیراهن جهت خود تهیه کند فرمود بله عرض کردم بیست پیراهن فرمود بله عرض کردم سی پیراهن فرمود بله اسراف نیست اسراف اینست که انسان لباسی را که جهة حفظ آبرو و شئونات خود تهیه کرده است در کارهای پست استعمال واورا کهنه و ضایع کند **فی الوسائل - عن ابی عبد الله ع قال سالته عن الرجل الموسر یتخذ الثیاب الکثیرة الجیاد و الطیالسة و القمص الکثیرة یصون بعضها بعضا یتجمل بها ایکون مسرفا قال لا لان الله عز وجل یقول لینفق ذوسعة من سعته** ترجمه راوے می گوید سؤال کردم از صادق آل محمد ع ازآدم متمولیکه تهیه میکند جهة خود لباس بسیارے را که نووفاخر هستند و لباسهاے اعیان و متشخصین و پیراهن هاے بسیار که حفظ آبرو و شئونات خود کند از پوشیدن آنها و اظهار جمال و تشخص کند بواسطه آنها آیا میباشد اسراف فرمود اسراف نیست خداوند متعال می فرماید باید انفاق و خرج کند صاحب مکنت از ثروت خودش **فی الوسائل - قال سئلت اباعبدالله ع عن الرجل یکون له عشرة اقمصة یراوح بینها قال لا باس** ترجمه راوے می گوید سؤال کردم از صادق آل محمد ع از مرد یکه از براے او است ده پیراهن که بنوبت می پوشد آنها را فرمود عیب ندارد **فی الوسائل – عن ابی عبدالله ع قال لاباس ان یکون للرجل عشرون قمیصا** ترجمه جعفر ابن محمد الصادق ع می فرماید باکی نیست از براے

مرد اینکه داشته باشد بیست پیراهن✿ یکی ازاصول مهمهٔ حفظ الصحه وزنده کانی خوش کثرت لباس وزود عوض نمودن او است مختصری ازفوائد او ذکر می‌شود . حفظ الصحه . کثرت عقل . التذاذ وفرح انسان از تجدید لباس . زینت جهة حلیلهٔ خود و التذاذ و فرح او . زینت جهة برادران دینی .
ـ مضار ادامه دریك لباس . متعفن شدن لباس از بخارات وعرق بدن . تولید جانور در بدن و اذیت نمودن آن ها . تنفس نمودن عفونت و صدمهٔ آن . تهاجم مگس و پشه به بدن . بی میلی بخوردن غذا . ضعف و لاغری . سوء اخلاق حزن و غم . قلت عقل واستعداد . صدمهٔ عیال وفرزندان . تنفر جلسا وبرادران دینی . مسمومیة خون . عارض شدن مرض

پوشیدن چکمه را اسلام فرموده

فی الوسائل — عن ابی جعفر ؑ قال لبس الخف یزید فی قوة البصر ترجمه محمد ابن علی الباقر ؑ میفرماید پوشیدن چکمه تقویت میدهد نورچشم را **فی‌الوسائل -- قال ابوجعفر ؑ لبس الخف امان من السل** ترجمه محمد ابن علی الباقر ؑ میفرماید پوشیدن چکمه امانست از مرض سل **فی الوسائل — عن ابی عبد الله ؑ قال ادمان لبس الخف امان من السل** ترجمه معصوم ؑ میفرماید مداومت به پوشیدن چکمه ایمنی است از مرض سل **فی الوسائل — عن ابیعبد الله ؑ قال ادمان الخف نفی میتة السل** ترجمه حضرت صادق ؑ میفرماید همیشه پوشیدن چکمه نفی میکند مردنی را که بوده باشد ازجهت سل **فی‌الوسائل — عن ابیعبد الله ؑ قال ادمان لبس الخف امان من الجذام قال قلت فی الشتاء ام فی الصیف قال شتاء کان اوصیفاً** ترجمه صادق آل محمد ؑ میفرماید مداومت به پوشیدن چکمه ایمنی است از مرض جذام راوی میکوید عرض کردم در تابستان یا در زمستان فرمود چه در زمستان و چه در تابستان

فی‌الوسائل — عن ابیعبد الله ع قال ان علیاً کان یلبس الخف فی السفر

ترجمه معصوم ع میفرماید علی ع درسفر می پوشیدند چکمه را **فی‌الوسائل -**

قال خرجت مع ابیعبد الله ع الی ینبع فلما خرجت رایت علیه خفاً احمر فقلت له جعلت فداك انها لخف الاحمر الذی اراه علیك فقال خف اتخذته للسفر و هو ابقی علی الطین و المطر واحمل له قلت فاتخذها و البسها فقال اما فی السفر فنعم و اما فی الحضر فلا تعدلن بالسوداء شیئاً

ترجمه راوی میگوید همسفر شدیم با جعفرابن محمد الصادق ع دیدم پوشیده است چکمه قرمز را عرض کردم فدایے توشوم چکمه قرمز پوشیده ائی فرمود تهیه کردم او را جهت سفر چکمه قرمز محکم تراست از جهت گـل و باران عرض کردم من هم بگیرم و به پوشم فرمود اما در سفر بله و اما در حضر تجاوز نشود از رنك سیاه ✿ باتفاق همهٔ دکترها و اطبایے دنیا حفظ پا و گرم نگه داشتن آن عمده از مرضها را جلوگیر است و قسمتی از مرضهایے مهمه را به پوشانیدن پا و حفظ آن مداوا میکنند این استکه مواظبت کـنندکان حفظ الصحة ادامه به پوشیدن پوتین و کفش داده حتی المقدور از پای بیرون نمی‌آورند و حضرات ائمه معصومین ع هزار سال کسرے قبل خبر ازاین حفظ الصحة داده فرمودند پوشیدن چکمه چه درزمستان وچه درتابستان انسان را از مرض سل وجذام محافظت نموده وزیاد میکند نور چشمرا



مهم بودن لباس سفید در اسلام

فی الوسائل- قال رسول الله ص البسوا البیاض فانه اطیب واطهر وکفنوا فیه موتاکم
ترجمه رسول اکرم ص میفرماید به پوشید لباس سفید را چون پاکیزه وطاهر تر است و کفن کنید در او مرده ها را **فی الوسائل - قال النبی ص لیس من ثیابکم شئی احسن من البیاض فالبسوه و کفنوا فیه موتاکم** ترجمه نبی اکرم ص میفرماید نیست از لباسهاے شما رنگی بهتر از سفید پس به پوشید اورا و کفن کنید در او مرده ها را **فی الوسائل - عن النبی ص قال خیر ثیابکم البیاض فیلبسوا احیائکم وکفنوا فیه موتاکم** ترجمه نبی اکرم ص میفرماید بهترین لباسهاے شما سفید است پس به پوشد اورا زنده هاے شما و کفن کنید در او مرده ها را **فی الوسائل - کان رسول الله ص یکره السواد الا فی ثلث الخف و العمامة و الکساء** ترجمه رسول اکرم ص کراهت داشت از پوشیدن لباس سیاه مگر در سه چیز چکمه وعمامه و عباء **فی الوسائل -**
قال امیر المؤمنین ع فیما علم اصحابه لاتلبسوا السواد فانه لباس فرعون
ترجمه علی ع در جزء تعلیمات اصحاب میفرمود نه پوشید لباس سیاه را او است لباس فرعون **فی الوسائل - عن صفوان الجمال قال حملت ابا عبدالله ع الحملة الثانیة الی الکوفة و ابوجعفر المنصور بها فلما اشرف علی الهاشمیة مدینة ابی جعفر اخرج رجله من غرض الرحل ثم نزل فدعا به بغلة شهباء ولبس ثیاباً بیضاء و کمة بیضاء فلما دخل علیه قال ابو جعفر لو تشبهت بالانبیاء فقال له ابو عبد الله علیه السلام و انی یبعد نی من ابناء الانبیاء**
ترجمه راوی میگوید حرکت دادم جعفر ابن محمد الصادق ع را در سفر دوم بکوفه وقتیکه نزدیك شد بهاشمیه پیاده شد ازمرکب و سوار شد به قاطر و پوشید لباس سفید و کلاه سفید را وارد شد بر منصور بحضرت عرض

کرد شبیه کردهٔ خود را بانبیاء فرمود چه دور نموده است مرا از فرزندان انبیاء ✿ اسلام منتهی درجه تمیزی و پاکیزه‌گی را به بشر تعلیم داده و اورا بلباس سفید که نمایش دهنده کثافات و چرکیها است امر فرمود چون کثافات وارده بر آن بفوریت معلوم این استکه انسان او را عوض یا شست و شو داده برعکس لباس سیاه رنك آن مانع است از ظهور کثافات و معلوم انسان نخواهد شد بعلاوه پوشیدن لباس سفید بملاحظهٔ منظرهٔ چشم باعث روشنائی قلب و فرح او است پوشیدن لباس سیاه باعث تیره‌گی قلب و حزن اواست و امروزهم پارچه های سفید که موسوم است برنك کرم رو بازدیاد وفوق العاده مورد توجه و باو اقبال نموده اند

اهمیت زینت دراسلام

فی الوسائل — عن النبی ص انه کان ینظر فی المرآة و یرجل جمته و یتمشط و ربما نظر فی الماء و سوی جمته فیه ولقد کان یتجمل لاصحابه فضلا علی تجمله لاهله و قال ان الله یحب من عبده اذا خرج الی اخوانه ان یتهیاء لهم ویتجمل ترجمه پیغمبر اکرم ص نظر میکرد درآینه و شانه میکرد موی سر را چه بسا اوقات نظر میکرد در آب و تسویه می‌نمود موے سر را و زینت میکرد برائے اصحاب علاوه بر آن زینت هائیکه برائے اهلش میکرد میفرمود خدا دوست دارد از بنده‌کانش کسانی را که میروند بسوی برادران خودشان تهیه به بینند برای آنها و زینت کنند خودشانرا **فی الوسائل — قال امیرالمؤمنین ع لیتزین احدکم لاخیه المسلم کما یتزین للغریب الذی یحب ان یراه فی احسن الهیئة** ترجمه علی ع میفرماید باید زینت بکنید شما از برائے برادر مسلم همین طوریکه زینت میکنید برائے آدم غریب که دوست دارید به بینند شما را در نیکوتر هیئتی **فی الوسائل — قال امیرالمؤمنین ع**

ان الله جميل يحب الجمال و يحب ان يرى اثر نعمه على عبده ترجمه علی ٤ میفرماید خدا جمیل است دوست دارد زینت را دوست دارد به بیند اثر نعمت را بر بنده **فی الوسائل -- قال ابو عبد الله ٤ اننی لاکره للرجل ان یکون علیه من الله نعمة فلایظهرها** ترجمه جعفر ابن محمد الصادق ٤ میفرماید بدم می آید از مردیکه دارای نعمت باشد و او را اظهار نکند

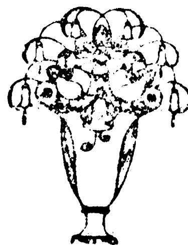
فی الوسائل -عن ابی عبدالله ٤ قال ان الله عزوجل یحب الجمال والتجمل و یبغض البؤس و التبأس ترجمه معصوم ٤ میفرماید خداوند متعال دوست دارد جمال و زینت را دشمن دارد اظهار فقر و پریشانی را **فی الوسائل -- عن ابی عبد الله ٤ قال اذا انعم الله علی عبد بنعمة احب ان یرا ها علیه لانه جمیل یحب الجمال** ترجمه صادق آل محمد ٤ میفرماید نعمتیرا که خداوند به بندهٔ عطا فرمود دوست دارد به بیند اورا چون اوست جمیل دوست دارد جمال را **فی الوسائل -- عن ابی عبد الله ٤ قال البس وتجمل فان الله جمیل یحب الجمال ولیکن من حلال** ترجمه معصوم ٤ میفرماید لباس به پوش وزینت کن خود را خداوند جمیل است دوست دارد زینت را و باید باشد ازحلال

فی الوسائل - قال الصادق ٤ ان الله یحب الجمال والتجمل و یبغض البؤس والتباس فان الله اذا انعم علی عبده بنعمة احب ان یری علیه اثرها قال قیل کیف ذالك قال ینظف ثوبه و یطیب ریحه و یجصص داره و یکنس افنیته حتی ان السراج قبل مغیب الشمس ینفی الفقر و یزید فی الرزق
ترجمه صادق آل محمد ٤ میفرماید خداوند متعال دوست دارد جمال و زینت را دشمن دارد اظهار فقر و پریشانی را اگرخدا عطا کرد نعمتی را دوست دارد اینکه به بیند اثرنعمت را بر بنده اش سؤال کرده شد ازحضرت چیست اظهار نعمت فرمود نظافت لباس استعمال عطر و گچ نمودن عمارت و جاروب کردن درب منزل تا اینکه فرمود روشن کردن چراغ پیش از

غروب آفتاب می برد فقر را و زیاد میکند رو زیرا **فی الوسائل — قال ابو عبدالله ع لعبید ابن زیاد اظهار النعمة احب الی الله من صیانتها فایاك ان تزین الا فی احسن ذی قومك قال فما رؤی عبید الا فی احسن ذی قومه حتی مات** ترجمه صادق آل محمد ع به عبید ابن زیاد فرمود اظهار نمودن نعمت محبوب تر است نزد خدا از حفظ او زینت کن خود را به نیکوترین زینتهاے قومت پس دیده نشد عبید مگر در نیکو ترین زینت هاے قومش تا زمانیکه مرد

فی الوسائل — عن ابی عبد الله ع قال اذا انعم الله علی عبده بنعمة فظهرت علیه سمی حبیب الله محدث بنعمة الله و اذا انعم الله علی عبد بنعمة فلم یظهر علیه سمی بغیض الله مکذب بنعمة الله ترجمه صادق آل محمد ع می فرماید وقتیکه خداوند نعمت داد به بنده اش پس ظاهر کرد او را نامیده میشود حبیب الله و حدیث کننده نعمت او و اگر داد نعمتی را و اظهار نکرد او را نامیده میشود بغیض الله و تکذیب کننده نعمت او ✿ خداوند متعال مخلوقی شریف و کاملتر از آدمی ایجاد نفرموده معجونی است که عقول از درك آن سر تحیر بزیر افکنده قادر متعال در بارهٔ او فرمود فتبارك الله احسن الخالقین و از برای او وظائف و دستوراتی مقرر فرمود که توسط آن خود را بمراتب و مدارج عالیه بکشاند فرمود قد افلح من زکیها انسان کسی است که خود را بصفات حمیده وملکات پسندیده زینت دهد و مساوی اخلاق را از خود دور نماید و الا مصداق کالانعام بل هم اضل خواهد شد و بوادی ضلالت و گمراهی خواهد رسید در مقام دیگر فرمود دوست ندارم بندهٔ را که بتجمل و زینت ظاهر خود وقری ندهد دشمن دارم او را دور است از رحمت من او است نزد من کاذب نوشته می شود

کذاب معلوم می‌شود رسیدن بمراتب عالیه انسانیت نه همان تنها تخلیه و تحلیه نفس است بلکه تزیین ظاهر و تجمل را می‌توان رکن اعظم انسانیت شمرد و مدنیت بشر را متوقف باو دانست پس انسان کامل بحکم قانون کسی استکه بهر دو امر متوجه و کوشش کند ظاهر و باطن را هم سنخ و مناسب هم دیگر قرار دهد همانطوریکه باطن خود را متوجه است و او را به مکارم اخلاق زینت میدهد همانطور بظاهر خود متوجه او را زینت دهد و اگر مقداری دقت در نکات اخبار شود اهتمام شارع مقدس را به تزیین بشر مستحضر خواهد شد فرمود خدا دوست دارد بندهٔ را که موقع مهمانی جهت برادران دینی زینت کند از روی انصاف روح این خبر در بعضی از ممالك طلوع کرده وجلوهٔ خود را میدهد کسانیکه مطلع‌اند از مهمانیهای اروپا و امریکا به حقیقت این خبر خواهند رسید یکی از رسومات لازمه و آداب مهمهٔ آنها که میتوان ترك او را جزو محالات شمرد پوشیدن لباس مخصوصی است موقع مهمانی و زینت نمودن خودشان را بآن لباس معلوم است که زینت وتغییر لباس در اینگونه مجالس علاوه بر حفظ الصحه صورت خوشی بخود خواهد گرفت این است که اسلام باو اهمیت داده پس اسلام آنچه لوازم حفظ الصحه و آدمیت است بیان فرمود راه زندگانی و تعیشرا به بشر تعلیم داد



حمامهای دوش مطابق است با حفظ الصحه

فی‌الوافی- عن ابی الحسن الرضا ؑ قال من اخذ من الحمام خزفة فحك بها جسده فاصابه البرص فلایلومن الانفسه و من اغتسل من‌الماء الذی قد اغتسل فیه فاصابه الجذام فلا یلو من‌الانفسه قال محمد ابن علی فقلت لابی‌الحسن ؑ ان اهل‌المدینة یقولون ان فیه شفاء من‌العین فقال کذبوا یغتسل فیه الجنب من الحرام والزانی والناصب الذی هو شرهما وکل‌خلق من‌خلق الله ثم یکون فیه شفاء من العین الحدیث ترجمه حضرت رضا ؑ میفرماید کسیکه بمالد به بدنش خزف حمام را پس برسد او را برص ملامت نکند مگر خود را کسیکه غسل کند از آبی که غسل کرده اند در او پس برسد او را جذام ملامت نکند مگر خود را راوی میگوید عرض کردم اهل مدینه میگویند غسل در این آب شفاء است از چشم فرمود دروغ گفته اند غسل میکند در او جنب از حرام و زانی و ناصب و هرکسی پس میباشد در او شفاء از چشم ✿ ترکیب شیمیائی آب حمامها که ذرات آن درمکرسکوب دیده میشود . غایت . بول . منی خون‌حیض . استحاضه . نفاس عرق . چرك بدن . مکروب موی عانه زیر بغل سبیل‌سر . مکروب زیرناخنها . مکروب دهن‌ومنافذ دندان درحال‌مضمضه . مکروب منخرین درحال استنشاق . چرك گوش . بوسه وخون سر های کچل . مکروب جذام برص سل حصبه و امراض دیگر . مکروب جراحات دمامیل و زخمهای دیگر . مکروب‌آبله سرخیجه مخملك زرمان . مکروب سوزاك سفلیس جلدی و غیره . این‌است مختصری ازمواد ترکیب شده آب حمامها بملاحظه مجوف بودن بدن و موآن مواد مکروبی که درآب شناورند نفوذ در بدن نموده خطراتی

برآن مترتب میشود اینکه در خبر فرمود غسل میکنند در او هرخلقی نظر بهمین اشخاص هاے مختلفه است که وارد میشوند در آب و شست و شوے میدهند خود را پس کسانیکه وارد میشوند درخزینه با بدنهاے پراز کثافت و آلوده به نجاست خارج است از نوع پرستی درواقع خیانتی است بجامعه مسؤل خدا و رسول ص خواهند بود غسل و نماز و روزه و بسیاری از اعمال آنها باطل این است که اهل آتش خواهند شد

حقیقت انسانیت

فی البحار — من کلام الباقر ع والله ماشیعتنا الامن اتقی الله واطاعه وماکانوا یعرفون الا بالتواضع و التخشع و اداء الامانة و کثرة ذکر الله والصوم و الصلوة والبر بالوالدین وتفقدالجیران من الفقرأ وذوی المسکنة والغارمین و الایتام وصدق الحدیث وتلاوة القرآن و کف الالسن عن الناس الامن خیر وکانوا امناء عشائرهم فی الاشیئا ترجمه محمد ابن علی الباقر ع میفرماید قسم بخدا نیست شیعه ما مگر کسیکه به ترسد ازخدا و اطاعت کند او را طبیعت وحالت آنهااست . تواضع . خشوع . اداء امانت . بسیار یاد خدا بودن . روزه . نماز . نیکی بوالدین . رسیدگی بهمسایه هاے فقیر ومردمان محتاج و مقروض و ایتام . گفتن راست . تلاوت قرآن . جلوگیرے زبان ازمردم مگرازخیر . میباشند امناء عشیره در امور

حقیقت دانش

فی البحار- من کلام الباقر ع لایکون العبد عالما حتی لایکون حاسداً لمن فوقه ولامحتقراً لمن دونه ترجمه محمد ابن علی الباقر ع میفرماید وقتی انسان دانا است که حسد نه برد به مافوق خود و به چشم حقارت نظر نکند بمادون خود

الانسان مدنی بالطبع

فی البحار — من کلام الصادق ع قال له ابوعبیدة ادع الله لی ان لایجعل رزقی علی ایدی العباد فقال ع ابی الله علیك ذالك الاان یجعل ارزاق العباد بعضهم من بعض ولکن ادع الله ان یجعل رزقك علی ایدی خیارخلقه فانه من السعادة ولایجعله علی ایدی شرار خلقه فانه من الشقاوة ترجمه ابوعبیده خدمت جعفرابن محمد الصادق ع عرض میکند از خدا بطلب برای من که قرارندهد رزق مرا بدست مردم فرمود غیر ممکن است این مطلب برای توخداوند متعال بمقتضای حکمت قرار داده است رزقهاے مردم را بدست همدیگرلکن بخواه ازخدا اینکه قراردهد رزق تورا بدست مردمان نیك چون اوست سعادت وقرار ندهد بدست شرار خلق چون اواست شقاوت

حفظ الصحه

فی الوسائل- قال رأیت اباجعفر ع قدخفف لحیته ترجمه راوی میگوید دیدم حضرت باقر ع را خفیف کرده بود محاسن را**فی البحار- عن ابیعبدالله ع قال من سعادة المرء خفة لحیته** ترجمه جعفر ابن محمد الصادق ع میفرماید ازسعادت مرد خفة لحیة اواست

فی الوسائل - عن ابیعبد الله ع قال یعتبر عقل الرجل فی ثلث فی طول لحیته وفی نقش خاتمه وفی کنیته ترجمه حضرت صادق ع میفرماید سنجیده میشود عقل مرد درسه چیز درطول ریش ودرنقش انگشتر و درکنیة **فی الوسائل -- عن ابیعبد الله ع قال مازاد من اللحیة عن القبضة فهوفی النار** ترجمه حضرت صادق ع میفرماید ریشی که زیاد شد از یك قبضه آن ریش در آتش است

فی الوسائل — عن ابیعبد الله ع فی قدر اللحیة قال تقبض بیدك علی اللحیة

و تجز ما فضل ترجمه حضرت صادق ع درمقدار ریش میفرماید قبض کن بدست محاسن را وقطع کن زیادی را ✿ بموجب اخبار آل عصمت ع وا کتشافات فلاسفه و دانشمندان دنیاموهای بدن مجوف بوده کمك به تنفس ودفع بخارات سمیة از بدن مینمایند او را مهمترین وسیله ازجهت تربیت بدن وحفظ الصحه دانسته اند چون مو بحسب طبیعت آنچه زود قطع و ازاله شود نمو او سریع تر و امراض بدن را بهتر خارج نماید برعکس اگر مو طویل و بلند گردد حال تحیرو وقفه باو روی دهد ازنمو وعمل باز مانده کاملا بخارات سمیة بدن را دفع نه نماید این است که خون مسموم شده اعضاء بدن در قوه اعمالیه خود درست استقامت نکند در این صورت چون موی ریش طویل و بلند گردد بخارات سمیه مغز و سر درمحل خود باقی مانده اعضاء باطنی سررا که محل قوه عاقله ومتفکره است فاسد نموده اختلال در دماغ دست دهد لهذا عقل و ذوق انسان ضعیف گشته حرکات احمقانه از او سرزند این است که ائمه معصومین ع طول لحیه را دلیل حمق وریش زائد از یکقبضه را درآتش وسعادت بشر را به تخفیف آن دانست

لزوم قوای ناریه وقشون درمملکت

سوره مبارکه انفال- واعدوالهم مااستطعم من قوة ومن رباط الخیل الخ
ترجمه مهیا کنید از برای دشمن آنچه استطاعت دارید از قوه ونظامیان سواره

فی الوسائل - قال قال رسول الله ص واعدوالهم مااستطعتم من قوة قال الرمی
ترجمه راوی میگوید رسول اکرم ص فرمود مهیا کنید از برای دشمن آنچه استطاعت دارید از قوه و نظامیان سواره بعد فرمود تیر انداختن است

فی الوسائل - قال الصادق ع فی قول الله عزوجل و اعدوا لهم مااستطعتم من قوة قال منه الخضاب بالسواد ترجمه حضرت صادق ع در تفسیر آیهٔ شریفه میفرماید از جمله تهیهٔ قوه خضاب ومشکی نمودن پیر ها است محاسن خود را

فی الوسائل — عن ابیعبد الله ع فی قول الله واعدوا لهم ما استطعتم من قوة قال سیف وترس ترجمه حضرت صادق ع در تفسیر آیهٔ شریفه فرمود شمشیر و سپر است ٭ باتفاق تمام عقلاء دنیا حیات هر ملت بقوهٔ دفاعیه یعنی نظام مرتب است مملکت بی نظام و بی لشکر محل چپاول دزدان وتطاول طماعان واقع شود هر کس که فی الجمله ازاوضاع امروزه دنیا مستحضر باشد بخوبی میداند که بقاء و دوام مملکت بقشون و قوهٔ دفاعیه وابسته و منوط است وضع پلتیك دنیا برای ما بزرگترین شاهد است که امروز بی قشون بقاء یك ملت ازحیز امکان بیرون است وقت آن نیست که برای محافظت ومحارست زور وقوت سنی نیزه لازم نباشد امروز تمام دنیا اکل وما کول هم اند هرملت که میخواهد حیات پلتیکی خود را حفظ نماید و در مقابل تلاطم امواج پلتیك دنیا مقاومت کند و از لطمات طوفان حوادث دنیا محفوظ ماند ناچار است از تهیه قشون و نظام نداشتن قشون مملکت را تیره و تار و دچار بدترین مخاطرات مینماید بی قشونی مملکت را به فنا و اضمحلال دعوت مینماید باین جهت است که آیه شریفه منتهی مرتبه تحریص و ترغیب را کرده فرمود مهیا کنید جهت دشمن آنچه استطاعت دارید از قوه و نظامیان سواره پس دراین صورت قوای ناریه و آلات دفاعیه و وسائل ضروریه وتقویت مملکت ونمایش شوکت بموجب آیه شریفه حتم وضرور و رکن اعظم سیاست باو است

منظم بودن حرکت در خیابان

از سواره و پیاده قانون اسلام است

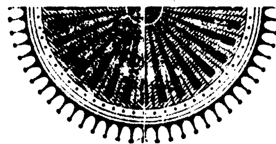
فی الوسائل — عن ابی الحسن موسی ع قال اذا قام قائمنا قال یامعشر الفرسان سیروا فی وسط الطریق یا معشر الرجالة سیروا علی جنبی الطریق فایما فارس اخذ علی جنبی الطریق فاصاب رجلا عیب الزمناه الدیة و ایما رجل اخذ فی وسط الطریق فاصابه عیب فلادیة له ترجمه موسی ابن جعفر ع

میفرماید زمانیکه قیام کرد قائم ما إعلام میکند مردم را میگوید اے گروه سواره سیر کنید در وسط راه اے گروه پیادهسیر کنید در دو طرف راه هر سواریکه سیر کرد دردوطرف راه وصدمهٔ وارد کرد به پیاده مازم میکنم او را بدیه و هر پیاده اے که سیر کرد در وسط راه و رسید باو صدمهٔ نیست از برای او دیه ✿ به نحو کلی اگر کسی بر خلاف اکثر عقلا و دانشمندان دنیا در اموریکه متفق الکلمة آنها است از حیث تعالی و ترقی قیامی کند و عمل را بر خلاف آنها قرار دهد او را از سنخ خود خارج و اهل خردش نخوانند مثلا امروز که جمیع ممالك دنیا کیفیت سیردرخیابانرا که برائے حفظ نفوس و تنظیمات مملکتی مرتب کرده و بشر را در تحت نظم و قانونی اداره کرده اگر کسی برخلاف این قانون قیامی کند واعلان آزادی دهد که هرکس از سواره و پیاده در سیر و حرکت خود مختار و آزادست و بیرق هرج ومرج که موجب اتلاف بشر است باند و بر خلاف تنظیمات مملکتی جنبش کند قطعاً او را سرکوب و از بین خواهند برد و اگر در کله او داعیهٔ باشد او را برسمیت نخواهند شناخت و قانون او رابی روے نخواهند کرد اینست که حجة موعود عجل الله تعالی فرجه این ترتیب رویه وسیررا که مرغوبیت آن مسلم اهل دنیا شده و باعث حفظ بشر وترتیب نظامات و استحکام مدنیت آنها است امضاء نموده قولا وعملا بقوه اجرامیگذارد مخالفین ومتمردین را سیاست و مجازات خواهد نمود پس حرکت باین کیفیت قانونی است از قوانین اسلامیه این است که معصوم ع خبرمیدهد قائم ما سیرو حرکت سواره و پیاده را در خیابان باین کیفیت مرتب و منظم خواهد نمود



اخبار ارمکروب هوا

فی الوسائل- قال ابو عبدالله ع ان لکل ثمرة سما فاذا اتیتم بها فامسوها الماء واغمسوها فی الماء یعنی اغسلوها ترجمه صادق آل محمد ع میفرماید درهر میوهٔ سمی است آب بمالید باو و بشورید او را ✿ ذرات هوا مرکب است از خورده هاے کتان پنبه پشم مو شن ذغال خاك و مواد دیگر که موسومند به قارچ های هوائی باقسام مختلفه که بعضی از آنها علت امراض جلدی می شوند بعلاوه در هوا حیوانات مکروبی موجود است که هر کدام کوچك تراست از هزارم میلیمتر وممکن است یك ملیون از آنها را درنوك سنجاقی قرار داد ودر هواشناوری میکنند بسیاری‌از‌آنها مانع انداز التیام امراض‌جلدی‌لهذا اطبا بستن‌روی زخم را مواظبت و سفارش میکنند دراین صورت هوائیکه ذرات آن مرکب شد از این مواد کثیفه و مکروبهای مضره مدت زمانی روی میوه جات نشسته آنهارا مسموم میکند معلوم است حوردن همچه میوه مسموم کننده خون صدمه زنده انسان و باعث بعضی امراض میشود این است که معصوم ع امر فرمود بشستن میوه جات اینکه فرمود آب بمالید باو و بشورید اورا اهمیة این مواد سمی را میتوان بدست آورد معلوم میشود بفرو بردن آنها را در آب یا بریختن آب ازاله آن مواد نخواهد شد و محتاج است بمالیدن دست درخبر شریف اگر نظر بمواد سمی و مکروب هوا نبوده پس سمیت میوه و شستن ظاهر آن چی است و چه اشاره ایست



توسعه خلق و انصاف

فی البحار — قال النبی ص یا علی ع احسن خلقك مع اهلك و جیرانك و من تعاشر و تصاحب من الناس تکتب عند الله فی الدرجات العلی یاعلی ماکرهته لنفسك فاکرهه لغیرك وما احببته لنفسك فاحبه لاخیك تکن عادلا فی حکمك مقسطاً فی عدلك محبباً فی اهل السماء مودوداً فی صدور اهل الارض احفظ وصیتی انشاء الله تعالی ترجمه نبی اکرم ص فرمود یا علی نیك کن خلقت را نسبت باهل و همسایه و با هر کسی که معاشرت و مصاحبت میکنی او را از مردم نوشته می شوی نزد خدا در درجات بلند یا علی آنچه را که بد میدانی جهت خود برای غیر هم بد بدان اورا آنچه را که دوست میداری جهت خود برای غیر هم دوست دار او را میباشی عادل در حکم محبوب در اهل آسمان محبوب در اهل زمین حفظ کن وصیت مرا انشاء الله

مستحقین اهانت

فی البحار -- قال النبی ص یا علی ع ثمانیة ان اهینوا فلایلوموا الا انفسهم الذاهب الی مائدة لم یدع الیها والمتامر علی رب البیت و طالب الخیر من اعدائه و طالب الفضل من اللئام و الداخل بین اثنین فی سر لم یدخلاه فیه و المستخف بالسلطان والجالس فی مجلس لیس له باهل والمقبل بالحدیث علی من لا یسمع منه ترجمه رسول اکرم ص فرمود یا علی هشت طایفه اگر توهین کرده شوند ملامت نکنند مگر نفس خودشان را . کسیکه برود بمهمانی بی دعوت , مهمانیکه تحکم کند بر صاحب خانه . کسیکه طلب خیر کند از دشمن . کسیکه طلب عطیه کند از مردمان لئیم . کسیکه داخل شود بین دو نفر در امر پنهانی که داخل نکرده باشند او را . کسیکه توهین کند سلطان را . کسیکه جلوس کند در مکانی که نداشته باشد اهلیت اورا. کسیکه تکلم کند برای کسیکه نمی شنود از او .